

مکتوب از انزلی

در مسائلات اقدم مذاکرات مدرسه بر سر رسید  
 متمم اورا نیز مینویسم جنابمستطاب حاجی ملک الملکین  
 واعظ اصفهانی که در شمار او این وطنخواهان و از زمره  
 وطن پرستان دولتخواه اسلام دوست است - پست و هشت  
 روز تمام در انزلی بالای منبر خلق را در تاسیس بنای  
 مدرسه یعنی کارخانه آدم سازی ترغیب و تحریص نمود  
 طاقت از نفس قدس نمون ایشان در روز (۲۹) صفر  
 به محضر حکومت درحالتیکه جمیع اعیان و اشراف و تجار  
 و غیره با علمای اعلام حاضر بودند تشکیل انجمن  
 شده در آن محضر محترم مذاکرات لازمه بپایان آمده پس  
 از آنیکه دفترخانه مدرسه بامضای علمای اعلام و حکومت  
 و اعیان و اشراف تجار و غیره رسید و همه متفق الکلمه  
 در این بنای خیر اقدام و امضاء نمودند خطابه که قبل  
 از وقت در دفتر مدرسه تهیه و ثبت شده بود آقا میرزا  
 (ابوزر) وقایع نگار برداشته بپای خلعت قرائت نمود  
 و خطابه مذکور بموجب ذیل است

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایان مدرسه ایست موسوم به (محمدیه) که  
 بتاییدات حضرت حجة الله صاحب العصر والزمان صلوات الله  
 الملك المنان و علی اجداده الطیبین به نیت صحت و شکرانه  
 ذات مکتوبی صفات معارف و رعیت پرور اقدس همایون  
 و سعادت اقبال بزوال و شوکت روز افزون  
 بندگان اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه داد گستر  
 اسلامیسان پناه خلد الله ملکه و دولت و اید الله شوکت  
 حسب منشاء قالی حضرت اسرف والا شاهزاده وزیر اعظم  
 مدخله با معاونت تجار و اکابر سرحد انزلی بنای خیریه که  
 موحیات سعادت ابدیه الحرریه و اسباب بیکتافی دولت  
 و مات است برای تحصیل تربیت و تکمیل معرفت و  
 کسب ترقی و دانش انسانی وطن مقدس مساعدت و  
 همراهی عمده امرا العظام میرزا عباس خان عمید همایون  
 نایب الحکومه که یکی از جاگر زاده گان دولت ابد مدت  
 است بمبارکی و میمنت در سرحد انزلی تاسیس و  
 افتتاح خواهد شد

از هموم دانشمندان و غیرتندان و هموطنان معارف  
 پژوه چشم نوریج و نمای مساعدت در اطاف و تربیت  
 نوباوگان برومند و نوبهالان بوستان وطن بواسطه

چون طفل سفیر بر آن ملت قیم و مراقب گارند - و اگر  
 در سبیل رشد و رشاد قدم زنند بزودی همان عزت  
 و دولت را خداوند بر آنان بفرستد (ان الله لا یغیر  
 ما بقوم حتی ینبئوا ما بانفسهم)

اینک که داستید که حیات و محبت و شرف و ذلت  
 و حریت و عبودیت و ترقی و ثنول در حول همین نقطه  
 مجتمع اند زهار الف زهار که اندکی مسامحه روا دارید  
 یا بسختان عمر و وزید و کلمات فلان و بهمان و تقلید  
 این و آن گوش فرا دهید یا بمسموع و منقول و خیال  
 و شبه و شک و وهم و حدس و ریب اکتفا سازید -  
 که روز نورانی اقبالان چون شب مظلم تیره و تاریک  
 خواهد شد - و از آسمان سنگ ادمار خواهد بارید -  
 و کره آتش غضب خواهد افشاند - امروز کوب  
 اقبال شما از گوشه افق طالع گردیده - و آسمان ناسپای  
 کشاده مزده بزرگی در آیه تقدیم میکند - و دانه  
 استقبال بنظر روشن، نورانی می آید - پس اورا بحجاب  
 اوهام تیره سازید - و خود را بیسای خویش در چاه  
 هلاکت نیکنید - از کارگذشتگان عبرت - و از احوال  
 ملل ماضیه در قرون حالیه اعتبار گیرید و از نسیای  
 روزگارشان پند بردارید

هان ای ملت نجیب زبرک ایران - بدانید که جمعی  
 گرگان خون آشام تیز دندان سحت دل در لباس گوسفندان  
 برآمده شما را اغفال می نمایند - و خواهند از شبان و پاسبان  
 تان دور سازند - با زبان لین و قول ملایم و سخنان ساده  
 دل پذیرانه بطرف خود کشند - شما را از حامی و حافظ  
 جدا سازند - دست حرارت و حمایت اورا از سر شما کوتاه  
 نمایند - آنگاه بر جان و تنان بتازند - و خونتانرا بریزند  
 با اینکه تا نش ماه قبل درندگی این سباع ضاره و خون  
 خواریش را دیده و تماشای عودید - باز جاد، تسحر استک  
 بهوش نمی آید - و درک اغراض آمارا نمیکنید -

سبحان الله آنها را که گرفتند و بستند و کشتند از  
 همجنسان شما نبوده - آنچه بدوات مجاور و همسایه  
 شما بخشیدند حقوق شما نبود؟ این بار کران قرض  
 را بردوش دولت متبوعه شما نهادند؟ باز حیران و  
 متفکرید و گرفتار دمدمه و شهیده میشوید؟  
 (گرگ اجل یکایک ازین گله میبرد)  
 (این گله را فکر که چه آسوده میبرد)  
 (باقی دارد)

فرستادن در این حوضه مقدسه داریم  
بعد بذریعہ تلگرافی از طهران معلم برای مدرسه طلب  
نمودند. عنقریب که افتتاح مدرسه شود با دارا اطلاع داده  
خواهد شد. نظامنامه مدرسه را جناب ملک المتکلمین با  
بیانی خوش فصل به فصل ترتیب داده کتابچه نمودند و  
دوم ربیع الاول در محضر جناب مستطاب حاجی شیخ ابراهیم  
پیش نماز نظامنامه را شخص ملک المتکلمین فصل به فصل  
قرائت نمود تا هفته دیگر عین نظامنامه با دارا فرستاده  
خواهد شد مردمان عوام خاص نهای فهم از افتتاح  
این کارخانه آدم سازی منتظر اند. از جمله وکیل  
الریایا و میرزا محمد حسین نام که این دو نفر از بیکاران  
مردم انزلی اند و در حق این بنیاد خیلی مزخرف  
میگویند یکی از وکلای محترم مدرسه بر آشفته با آن  
دو نفر طرف شده نزدیک بود کار بجای نازک نکند  
امیدوارم آناً فاناً این نوع مردم که مایه نکبت اند از  
میان ملت معدوم شوند وجود شان نه برای دنیا بکار  
میخورد نه آخرت زیرا دنیسای شان معلوم و ظاهر  
است آخرت بدتر از آن خواهد بود

در این مجلس محترم آقا محمد قلی ملک التجار حاضر  
نشد در مجلس ثانی که در منزل حاجی شیخ ابراهیم  
آقا پیش نماز منعقد کردید خود آقا بخواهش او  
مشارالیه را طلبیده بعد از آنکه حضرات در آن  
محضر اجتماع نمودند شروع بمذاکرات شد ملک التجار  
با یک نفر دهاتی که همان ساعت طرف مذاکره ملکی بود  
مذاکرات و مرافعه خود را مقدم داشته شروع بمذاکره  
نمود این مذاکرات ملک التجار دعوی ملک و بیخ چال  
بود دهاتی مدعی شد که من بموجب قبوضات خود  
را از دین خلاص نمودم و هم بیخ چال خودم را بنو  
نخواهم داد از این مقوله مذاکره بیک کردند آخر الامر  
ملک التجار با حضور آقایان در آن مجلس محترم بنسای  
خفانی کرده بچاره دهاتی را دیگر عرض و ناموس  
بجا نگذاشت و شخص دهاتی نیز گله به گله جواب میداد  
ملک التجار غضبش مستولی شده صدا کرد موسی موسی  
بیا این فلان فلان شده را بکش دید موساتی نیست  
و موسی مصنوعی را صدا میزند. طاقت خودش از جای  
برخاسته رفت موسی را بیسورد هنوز هم دارد میرود  
و بعد از رفت ملک التجار آنوقت ملک المتکلمین حاضر

شده نظامنامه را قرائت نمود و مجلس ختم شد مقصود  
این است که ملاحظه وضع مجلس داری و قاعده دانی  
و تهذیب اخلاق بزرگان را باید کرد که در چه مجلس  
چه گونه مہبتها پیش آورده و بجه قسم ختم می نمایند  
این نیست مگر از عدم تربیت و تعلیم و نداشتن مدرسه

### اداره بلدیہ طهران

#### و تعیین نرخ بعضی اجناس

صورت تعیین نرخ اجناس متفرقه غره سفر لغایت سلخ صفر

غره صفر سلخ صفر

قران قران

نرخ نان یکمن (بیج سیر کم بود) ۱۰۷ تمام ۱۰۳

گوشت یکمن (بیج سیر کم) ۷۰۲ تمام ۵۰۶

برنج قیصریه وزن ری که

چهار تبریزی است ۱۲۰۵ ۹۰۰

برنج سعید کرده دو نمک ایصاً ۱۶ ۱۲۰۵

دغال بگری ۶۰۴ ۲۰۷۵

هیزم بگری ۶۰۴ ۵۰۳

مست چارک ۶۰۵ ۶۰۲

کاهو تبریزی ۶۰۴ ۱۰۰۵

نرخ قصبیل (علوفه دواب) یکمن ۶۰۹ ۶۰۵

نخم مرغ دانه ۶۰۱ ۶۰۵

روغن یکمن ۱۴۰۰ ۱۲۰۰

کره یکسر ۶۰۴ ۶۰۳

#### مختصر قدوری عربی مع شرح فارسی

کتاب (قدوری) در علم فقه اهل سنت و مسلک  
حنفی - کتابست. مستند که محتاج تریف و توصیف  
نیست - و هر اهل علم از احوال او واقفیت نامه  
دارد - درین زمان فیض نشان مولانا مولوی عبدالله  
صاحب حامی هاولپوری برای این کتاب مستند بغایت  
سی و تحقیق در زبان فارسی شرح نوشته رحاء که نام  
فارسی دانان نیز بوسله او از تحقیقات علمیه و مسائل  
فقهیه خطی وافر بردارند - اثر متعال حد و حده  
شارح موصوف را که خالصاً لوجه الله بکار برده بدرجه  
اجابت رسانیده در دنیا و عقبی جزای خیر دهد -  
عوام مسلمین را ازین صدقه جاریه منتفع و مستفید

گرداناد - فاضل شارح جزاء الله خير الجزاء - قدر تصانیف  
 این کتاب را بانجمن نهائیة لامبورج نرودده وانجمن  
 مذکور محض بنظر افاده طایفه مسلمانان کتاب مذکور البدر  
 را طبع نمود - کتاب موصوف بصفحات ۱۰۳۶  
 قطب ۲۰ - ۲۶ به کاغذ روغنی باهتام تام خوش قلم  
 تیار شده است و قیمتش محض بقرض اشاعت دین و  
 افاده مسامین دو رویه فی جلد علاوه محصول پست  
 مقرر گردیده که قریب صرغه است - قدر دان علم فقه  
 برای خریداری این گوهر بی بها بزودی بسیار  
 درخواستهای خویش ارسال فرماید چراکه بعد از  
 هر صده قایل کتاب مذکور مثل عنقا نایاب و حصولش  
 دشوار خواهد بود

المعبر - تاج الدین احمد وکیل - ناظم انجمن نهائیة لامبورج  
 - قطعه تاریخ

حساب حکیم فرزانه و ادیب دانشمند یگانه  
 (میرای فرصت) که از فصلای دانشوران ایران و دارای  
 تصانیف و تألیفات بسیار اند (که از جمله آثار عجم است  
 و الحقی تا کسوف کتانی بدین قالب و رساله بدین روش  
 بفارسی نوشته شده و تا اندازه باید مهارت تاریخ  
 طبیعی ایرانش گمت) و محض طبع بعض تصانیفات خودشان  
 در این ایام رونق افروز بشود بیتی شده اند حسب  
 الحواش حساب حالات نصاب آقای شاه رخ شاه قطعه  
 در تاریخ رحلت مرحوم حله آشیان سد حایل و فاضل  
 ذیل آقای اکبر شاه طاب الله ثراه انشاء و اشاد فرموده  
 اند اگرچه شعر و شاعری دون سائر مراتب فصل و  
 کمال ایشان است ولی بار هم برای مومنین طبایع  
 موروته درج کلمات این فاضل نخب بر بیرون از فائده  
 نسور میشود لذا ذیلاً نگارش مینمایم

- § آه که حور زمان شد ز جهان اکبر شاه
- آه که صیب شرفش رفت ز ماهی آماه
- § آه دور زمان برد کسی را ز جهان
- که چو اندشت ازو نظر و شرف عزت و جاه
- § ای دریه که کس حای قدا کرد بتن
- آنکه یکسر بسر از سروریش بود کلاه
- § جعفری بود بمذهب قرشی بود باصل
- صاید آل رسول است بر این قول گواه

- § قوی از هجرت او مدم و اندوه و هن
- فوجی از فرقت او همنس حسرت و آه
- § سوی احباب ازین حاده گردید سفید
- روز اصحاب درین واقعه سکر دید سیاه
- § طایر روح وی از این فسن تن جو برید
- شد نسیمکنه او سکنگه عرش آله
- § برد از این حیده خاکی جو بجایاکی دخت
- کشت افلاکی و افراشت در آنجا خرگاه
- § شاه رخ شاه بهین زاده فرخ رخ او
- که ر بعد پدر از وی همه حویند پناه
- § حواست تاریخ وقاشش جو ز (فرصت) گمتا
- رو ساهه بچنان مده صفر اکبر شاه

ترجمه برخی اخبارات خارجه

در رحلت مرحوم حاجی امین الدوله

اخبارات روسیه مینویسند - با دانش ترین رجال  
 ایران حاجی امین الدوله بود که در وقت نشأ رحانی  
 نمود در ایام صدارت چند روره خود از سبک و  
 سلوک او معلوم بود که اصولی بسیار صحیح بدست دارد  
 که هم مطابق مذاق ایرانیان و هم مفید بحال ملت و  
 دولت ایران بود - ولی نفاق در ایران و میلشان به  
 تصاحب اموال و مناصب غیر مناصبه این مرد بزرگ  
 را از کار انداخت حاج امین الدوله علاوه بر زبان  
 مروجه ایران که فارسی است زبان عربی و فرانسه را  
 بدرجه کمال تعامیم یافته بود در ایام صدارت خود با دقت  
 تمام چند معاهده با خارجه نمود - و در جمله گوی  
 خبرت و مال اندیشی را ربود - از آن جمله مساعدت  
 کارخانه قد سازی و کبریت سازی و بلور سازی  
 که سر تا با صرفه ایرانیان ملاحظه شده بود بلکه میتوان  
 گمت اندازه ملاحظه صرفه ایرانیان نموده بود که ایرانیان  
 بواسطه عدم بصیرت تاب تحمل نداشته لابد گذاشته و  
 گذشتند

جراند انگلیسی مینویسند - حاجی امین الدوله از  
 معظم رجال با سیاست و کفایت آسیا بود و اگر  
 دولت ایران بیروی از خیالات او عموقه بود تا امروز  
 از هر جهت بحفظ خود قادر میگرددند - حاجی امین الدوله  
 چند طای پیش صدیق اعظم ایران نبود با وجود

این خیالات بلند بود. مردم جای داد و انقلاب عظیم در تصورات اهالی نمودار گردید. در حقیقت مردم را بیدار ساخت.

برای تعمیرات ملکی و منافع دولتی بنای قرضی با دولت بلژیک نهاد - گریک ایران را اداره ~~سکرتار~~ و چند نفر بلژیکی از دولت بلژیک موقتاً مستخدم گرفت - تعایم طعمه را بوضع حدید در ایران باعث و مؤسس شد - آزادی افکار بمصوم بخشید - ارباب قلم را مطلق العنان ساخت - قانونی را که خود در زمان شاه مرحوم مرتب کرده بود مصمم اجرای آن شد چون صدر اعظم سابق لزقم باز آمد و دوباره بمسند صدارت نشست در جلو اجرای مقاصد او سد کشید - فقط استقراضی را که او برای قلم طعمه مدنظر داشت از روس نمود - و معلوم نگردید بکجا رفت و چه شد کاری که نتوانست بیرون کردن خیالاتیکه در سرمردم نهاده بود - و همین نکته مغل پشرفت مقاصد او گردید - ازین رو قسام او را در دربار مغل پیش رفت مقاصد دولتی حلوه داد بدو آخواست او را بمحکومتی دچار نموده از عسقی بیندازد - چون قبول نمود حکم شد که در یکی از مزارع خود که در چند فرسخی رشت بود توقف نماید - پس از آن حکم رفت که نه او برشت آید نه اهالی رشت با وی ملاقات کنند - چون خیالات این وجود محترم در دماغ اهالی جای گرفته چشم و گوششان را باز نموده و در متن واقع از خواب بیدارشان کرده بود مشرب امین السلطان و مسلک او را برخلاف منافع ملی و دولتی شناخته سر او علناً و مخالفت او اقدام نمودند امین السلطان جمیع این حادثات را از آن مرحوم جلوه میداد و نظم کارها و انتظام امور دولتی و ملی را عاقبت منحصر در آن نمود که حاشی امین الدوله و حرم جلالت که محترم ترین خاندانهای ایران بود جلاء وطن اختیار نمایند - و کرد آنچه ببلید ~~سکند~~ - و شد آنچه باید بشود - خطای امین السلطان درین حرکت بیش از خطاهای سابق اثر بخشید - يك مرتبه روی دل اهالی را از خود گردانید و این حرکت بر باد شاه ایران نیز خلی ناگوار آمد - و سفرهای دول هم سهواً امین السلطان را از این حرکت محضور باد شده عریض داشتند از طرفه دیگر

ملفوظات ارتداد او از جانب مغول طهای شیشه که در نجف هستند انتشار یافت یادشده امین السلطان را از صدارت خلع و ریخت بهحرت از ایران داد - و بذریعہ تلکراف و نامورین مخصوص تلج امین الدوله و حرم جلالت را بایران طلب فرمود حاج امین الدوله را این صدمات غیر متوقبه علیل و رموز ساخته حرم جلالت را بایران عودت داده خود جدی در آب گرمهای (ویانه) مشغول بمعالجه گردید چون اصرار دولت در طلب ایشان از حد گذشت ناممکنتری خاص که معالج ایشان بود بجانب ایران حرکت نمود - قصد شاهان بر این بود که امین الدوله بطهران آمده با شاهزاده و وزیر اعظم توام متصدی اصلاحات گردید - چه شاهزاده و وزیر اعظم در اصلاحات ملکی امین الدوله هم افکار بود - ولی کسالت مزاج او را مانع از آمدن طهران و تصرف در امور دولتی شد - ناچار در مزرعه خود توقف نموده قلماً و خیالاً همراهی و همجسالی خود را با شاهزاده وزیر اعظم می نمود - عاقبت زآن مرض جان بردار نشده ترك زندگانی گفت و نامی نیک از خود بیادگار در صحاح تاریخ عالم گذارد - از آن محبوبی که در قلوب عامه داشته و دارد دور بدست که ملت ایرانیه آثاری در یادگار او نگذارد - حتی مخالفین این وجود محترم میبوانند بر حرکات و سکنات و خیالات او ایرادی وارد آورند - فقط بشرفت نکردن خیالات او را از عدم استعداد مات حلوه میدادند - در نملک آسیا که هنوز نور تمدن کاملآ نتابیده و معنی قدردانی را ندانسته اند هیچ وریری بدن پایه محبوب القلوب عامه واقع نگردید چه خیرخواهی او را درباره مات و دولت همه احساس نمودند - وزیر اعظم حالیه ایران نیز با اینکه چندی پیش نیست متصدی امور شده تالی مرتبه ن مرحوم محبوب القلوب اهالی گردیده است زیرا همان خیالاتی که او در دشت این بموقع اجرا می آورد

(۲۶ جون)

### اعلان

میرزا محمد حسین طهرانی که تربیت یافته بای نخت ایران و از پیشت سال تجاروتی است تعایم و بندر پس صاحبان ادبانی کرده و به نمانند قدسی نهری یکام دارد



از امتحان درجه اول تا درجه چهارم که مکتب مشکه است صاحبان انگلیس را در امتحان مفضی المرام نموده سارتیفیکت‌های صاحبان نیز نزد او موجود است. هر کس از صاحبان خواسته باشد منشی موصوف را اطلاع دهد ادرس او بموجب ذیل است  
حیدرآباد دکن محله پورانه حویلی کوچه شیخ حیدر بخش

میرزا محمدحسین طهرانی ملشی صاحبان انگلیس

مکتوب

بشارت جهان قیمت بذل موهبت سلطنت عظمی و صدور اوامر قدر قدر اقدس مقدس هاپونی در بستن سد اهواز با نشانت فوق‌العاده در روزنامه مقدس جبل‌المتین خواننده چشم روشن و خاطر مگش گردید. بدیهی است که حکای نامدار در هر عصری از اعصار ضبط و ثبت تواریخ را بجهت آگاهی و تعالیم و سرمشق آینده‌گان فرموده‌اند. لهذا لازم دید که محض جلب توجه متمولین ایران زمین خاصه مقیمین ممالک خارجه بطرف اهواز و زراعت و تجارت نیشکر و نیل که فوائد عظیم دارد شمه از تواریخ آن بیان نمایم  
کالاک نارس می‌خورند و نه بینند  
خرنوزه باغستان رسیده و شیرین

اهواز

ابوزید گفته‌است این محل عبارت است از ایالت صفیری که سایر الکها را نسبت باو دهند. در کتب معتبر قدیم مسطور است شاپور در دهنورستان دو شهر بنا کرد یکی را بنام خدای عزوجل و دیگری را بنام خود و بعد هر دو را بنام واحد موسوم کرد هر مز داد شاپور خلد و معنی این عبارت این است که خداداد بشاپور. و ضرب که باین شهر مرادوت تجارتی بهم رساند سوق الاسواز خواند یعنی تجارتخانه‌های جامع و بعضی برآند اول کسیکه اهواز را بنا کرد اردشیر بود و هر مز اردشیر نامیدند. و در بعض کتب مسطور است که هفت شهر است میان بصره و فارس که مجموع را اهواز میگویند و مسمر این مهامل گوید چندین رود مختلف در این مملکت جاری است از جمله رود شوشتر که از این شهر میگذرد و بوادی عظیمی می‌رود و بر آن وادی بل بر آن بسته‌اند که غریب بنانی و عجیب جانی

است. و روی آن بل مسجدی وسیع ساخته‌اند و در کنار این آب آسیاهای عجیب و دولابهای غریب ساخته‌اند و این آب در وقت مد میاه سرخ رنگ است و در طرف ماسیان بدریا می‌ریزد و یکی دیگر رود مرقان است آن نیز از آب شوشتر است و از صخر مکرم میگذرد و رنگش سفید و در وقت مد سفیدتر مینماید و شکر می‌دهد که در صخر مکرم بعمل می‌آید بهترین شکرهای اهواز است و در وادی عظیم سابق‌الذکر شادروان محکم عجیبی از سنگ ساخته‌اند اندازه مخصوصی که آب را بطور قاعده بچندین بخش و قسمت تقسیم میکند و رو بروی شادروان مسجد امام علی ابن موسی‌الرضا علیه‌الصلوة والسلام است که وقتی از مدینه مذوره بخراسان تشریف می‌بردند ساخته شده‌است. نهری دیگر در این ملک هست که در اطراف آن از جانب مشرق از لشت شوراب جریان دارد در کناره آن آبار ابنیه سلاطین عجم است

مکتوب از یزد

مدیر جبل‌المتین. در این شهر شهر واقع که قابل مذاکره اخبار باشد نیست در ایام سلف برخی شرارتها که نتیجه جهالت بود از بعضی اشرار سرزد میشد در ایام حکومت شاهزاده معظم جلال‌الدوله ازینگونه شرارتها ذکری نیست بلکه استماع واقعات سلف مانند قصص و حکایات می‌نماید  
در خیاب حکومت جناب مشیرالممالک و بر که مسبق بدین حکومت و به کلیه طبقات مردم مربوط و طامه اهالی را نیکو می‌شناسند و ساهاست پیشکاری حکومت و عهده وزارت این شهر به شخص شخیص ایشان مفوض و بقسمی مملکت را امن و اهالی را مرفه‌الحال کرده‌اند که با اینوضع حکومتهای ایران بهتر از آن متصور نیست. با تدابیر سیاسیانه اعم بر اینکه مملکت را امن و جمیع طبقات را آسوده خاطر دانسته کلیه اهالی را هم از خویش خوشنود ساخته محبوب‌اللوب نام و خاص‌اند. در سبیل تربیت ابنای وطن و افتتاح مدرسه برای تعالیم اطفال منتهای میل و رغبت را دارند شرح برخی از خیالات طالبه ایشان را در خصوص آبادی ملک و تمدن اهالی و تربیت اطفال وطن من بعد تفصیلاً خواهیم نگاشت

آنچه بپایه تصدیق رسیده ثواب والا شاهزاده مؤید  
الدوله بحکومت یزه منتخب گردیده اند و مأمور صندوق  
طالبه هم وارد می شود. اهالی از خیالات بلند حضرت اشرف  
والا وزیر اعظم که موجب رفاه حال و احرای عدالت  
بین اهالی بالمساوات اند زاید اعلی سابق بدمای ذات  
اقدس ملوکانه و طب اللسان - و همه در انتظار اجرای  
آن مقاصد طالبه اند مما قریب ایران معمور و ملت آسوده  
و دولت قوی خواهد گردید. چنانچه امروزه ما از اصفاه  
ترقیات عبر المقول و این در شکفت اندریم دری نگذرد  
که جمیع ملل از ترقیات سریعه ما بحسرت اندر شوند

### کیلان

حضرت اشرف والا شاهنشاهزاده عضدالملکان  
فرمانفرمای کیلان از طهران مسافرت و شب اربعین  
وارد رشت گردیدند. دهه آخر سفر صبحها در محن  
دارالحکومه روزه خوانی و شبها و عصرها در تکیه  
دولت تعزیه داری کامل شد. تمام احزاب و مستخدمین  
بفراخور خودشان خلعت و انعام یافتند از آن بعد حسب الامر  
شاهنشاهزاده معظم - آقا میرزا نورالله خان وزیر - و  
معزالدوله - و اصف الملک - و لوا الملک مجلس خاص تشکیل  
داده میزانی برای دخل و خرج حکومت معین نمودند.  
تا کنون از اجرای اصلاحات جدید که در دیار اعظم  
مقرر شده خبری نیست آنچه افواه است چهار اداره  
جدید برای نظم کارها بر سایر ادارات خواهند افزود.  
آسایش اهالی را در آنوقت خواهیم دید که قانون مساوات  
در ملک جاری گردد و آنچه شهرت دارد در همین  
زودی بموقع اجرا خواهد آمد. تا وقتی در مملکت  
قانون جاری نباشد زبردستان اراحتجاف زبردستان باز  
نخواهند آمد - تجارت کیلان ابد رونق ندارد عمل بیله  
نیز منظم نشده تا زمانیکه میزان صحیحی در کار گذارده  
نشود نه ملت و نه دولت ازین تجارت عمده فائده نخواهند برد  
مشکل این است هنوز ما معنی تجارت را نفهمیده قوه تقلید  
هم نداریم که اقل ملاحظه تجارت را از مردمان خارجه  
صکه در ملکان منافع ما را می برند به نایم تجار ما  
معنی تجارت را در دلای امتعه خارجه دانسته اند ابد  
در ترقی صادرات ملک خود سعی نمی نمایند این نیست  
مگر از عدم علم  
مسلم است که مواد طبیعی هر قسم و هر نوع باشد

اثر خود را می بخشد. تجارت در هیچ مملکت بدون بنک  
رونق نگرفته و ترقی نکرده است تجارت در سایه بنک  
طبیعی است. کار بان نداریم که بنک خارجه در ملک  
مفید هست. یا نه ولی این نکته را کسی انکار نتواند کرد  
صکه از وقتی شعبات بنک در رشت آمده رونق  
تجارت بیش گردیده است جای شبهه نیست که هرگاه بنک  
های مختلفه از خودمان در مملکت احداث نایم تجارت را  
استقامت و ترقی پیش خواهد شد و ترقیات نمایان خواهد  
نمود و این نکته نیز پوشیده نماند که برای ترویج تجارت  
شعبات سنگهای خارجه نیز باشد ضرورت است

### مکتوب از اصفهان

خبر نهیست نواب اشرف اسعد والا شاهنشاهزاده اعظم  
ظل السلطان از طهران بجانب اصفهان رسیده گویا چند یوم  
دیگر وارد میگردند - از قدوم مبارک شاهنشاهزاده  
که همراهی اصفهان را بدری مهران است مردم خیلی  
مشغوف و از اصلاحات جدیده مسرورانند

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقا حاجی  
شیخ محمد تقی آقا محبی و جناب مستطاب بندگان آقا  
شیخ نورالله ثقة الاسلام نیز از طهران بجانب اصفهان  
حرکت فرمودند جوی از خواص ناظم و کاشان با استقبال  
شائقه و طامه اهالی برای پذیرائی آقایان تیه و تدارک  
می نمایند

جناب مستطاب شریعت مدار سیدالعلماء آقا میرزا محمد  
صادق مجل نیل مرحوم آقا میرزا محمد علی امام جمعه  
بلقب سلطان العلماء میبای آمده گویا نیابت امامت و  
قرائت خطبه نماز جمعه نیز بدیشان از جانب دولت  
مفوض آید اهالی اصفهان نظر بارادت و اخلاص  
صمیمی که بدین خانواده خاصه شخص شخص ایشان  
دارد از این بذل عنایت ملوکانه در حق ایشان منتهای  
مسرت را اظهار میدارند

اصلاحات جدیده آنچه در مقام اجرا آمده مانا  
اصلاح عمل طالبه است تا بعد آنچه ظهور نماید بعرض  
خواهد رساید

### بقیه تلکرافات

( ۱۷ ربيع الثاني - ۲ جولای )

اخبارات روس از ( سیاویانک ) خبر یافته اند که

سها از موقع باقیه دره (تالنگ) به متصرفیه شد.  
 § بموجب خبریکه از (سپاوانک) رسیده روسها مجدداً  
 به (موتین لنگ) و (فین تولنگ) را قبضه نمودند - و  
 واران (منچنگ) در طریق (این بنگ تا اجویا) راه  
 ایویان را بسته لذا ژاپونها از آن نواح عودت نمایند  
 § عبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که امیرالبحر  
 کامی (مورا) بر دستا جهازات (ولادی دسک) در  
 فریره (شوشیدا) شاه حمله نمود - آوار شلیک در  
 رب و حوار بگوش برسد

(۱۸ ربیع الاخر - ۳ جولای)

§ خبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که امیرالبحر  
 (توکیو) اظهار داشته که یک جهاز محافظ که بصورت  
 جهازات جنگی روسها در آورده بودند با یک جهاز  
 در شک شکل را در دماغه بندر [آرتسر] غرق نمود  
 ترجمه از جراند انگلیسی

روزنامه یانیر ماموسد که هرگاه این خبر مقرر  
 بصواب باشد که روسها جمع جهازات جنگی خود را  
 که در بندر آرتسر نقصان دیده مرمت کرده اند عملی فوق  
 تصور و قیاس شده ولی این امر اندا قرین صواب  
 نمی نماید مگر اینکه بگوئیم قسمی مرمت کرده که  
 مهابی غرق وسط دریا شده اند

یکی از جراند فرانس می نویسد که حالات اندرونی  
 (ولادی دسک) خیلی ناقص و غیر مطمئن است بالغ  
 بر نصف اهالی فرار کرده ماکولات گران و کبر نمی آید  
 و کارهای تجارتی کایه مسدود است

امیرالبحر (الکس اف) در منچوریا اعلان نافذ  
 نموده است که هر یک از اهالی چین که به ژاپویسان  
 مدد آید حکم بجلای و طش داده خواهد شد  
 از (توسکیو) خبر رسیده که رئیس اداره جنگی  
 ژاپون جنرال (حناوتا) بمهدیه فرمادنی کل قشون  
 منچوریا حرکت نمود

از پتوسرگ خبر رسیده که موسم باران در  
 منچوریا شروع شد و حرکت قشون از طرفین تا  
 اندازه سحت گردیده است و سخت تر هم میگردد لذا  
 رساندن قشون کمک به بندر آرتسر دشوار است ولی  
 از تلگراف ظاهر میشود که جنرال (کروکی) بدان  
 جانب حرکت کرده است

روزنامه طس می نویسد که روسها حوراک قشون  
 خود را بطرف شمال موقوف داشته اند که جلوگیری  
 ژاپون را بجانب مغرب نمایند اگرچه این امر و چندان  
 بزرگ نیست ولی چون سیورسات و قورخانه کامل  
 دارند هزینهت دادشان چندان آسان نیست

حالات اندرونی بندر (آرتسر) همه روزه خراب تر  
 می شود حوراک با اندازه کفایت قشون موجود نیست  
 روزانه هر نفر را ده (اوس) نان خشک و چهار  
 (اوس) گوشت تقسیم می شود و حال آنکه اندازه متوسط  
 خوراک نیست و نه اوس نان خشک و هفت اوس  
 گوشت میباشد ازین گذشته در قورخانه نیز قلت دیده  
 می شود این تکلف ظاهر میدارد که لشکر روس را چندان  
 تاب نگاهداری بندر (آرتسر) نیست

روسها در (مکدن) زبان چیناوی روزنامه اشاعت  
 داده که اهالی چین را فریب دهند در یکی از شهرهای  
 آن می نویسد که ژاپون خواست هفتصد و پنجاه هزار  
 لیرا قرض در امریکا حاصل نماید نتوانست زود باشد که  
 قشون روس در خانامای شهر (توکیو) گردش نمود  
 و سرداران روس در بای تخت ژاپون صلح نامه را  
 بموجب میل خود امضا نمایند

کلیته

هوای کلکتہ بواسطه بارندگی زیاد مرطوب و  
 کثیف شده ولی سورت گرمی هوا تا اندازه شکسته  
 و از امراض مزمنه مہاکہ مسریه از قبیل وبا و طاعون  
 و آبله که ز امراض صلی هند شناخته شده شکایتی  
 ندیده نمیشود عده اموات عمومی که میتوان میزان  
 حفاظت قرار داد از سنوات سابقه پیش نیست کثرت  
 بارندگی برخی را در خرمن زراعت بحوف انداخته است  
 بوم جمہ مثل هفته های قبل هراج چلی شد اندک  
 اندک هم هراج بزرگ و هم جنس چلی خوب و مرغوب  
 میشود درین هفته بانزده هزار صندوق چلی هراج شد  
 قیمت میان میران هفته قبل بود

در این ماه امتحان شش ماهه شاگردان مدرسه  
 مبارکه مظفری کلکتہ خواهد شد شرح این مدرسه را  
 بارها نوشته ایم که مقصود اصلی احیا و ابقای زبان فارسی  
 در هندوستان است رویداد مجلس امتحان زبان فارسی  
 انعقاد آن در پنج در اخبار خواهیم نمود

جبل المتین کلکتہ

میکل کالج استریت نمبر ۴

کلیہ امور ادارہ

ایرین مؤید الاسلام است

منتظم ادارہ

قائمہ جواد شیرازی است

ہر دو شنبہ طبع

و ہر شنبہ توزیع میشود

بتاریخ ہوشنبہ

۲۷ ربیع الثانیہ (۱۳۲۲)

مصادف با

روزنامہ مقدس

قیمت اشتراک

(سالانہ - شش ماہہ)

ہند - و برمه

(۱۲ روپیہ - - ۷ روپیہ)

ایران - افغانستان

(۴۰ قران - ۲۵ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ عییدی - ۳ عییدی)

اروپا و چین

(۳۰ فرانک - ۱۷ فرانک)

روس - و ترکستان

(۱۰ منات - ۶ منات)

# جبل المتین

سنہ ۱۳۱۱

قل از دریافت نمودن قبض ادارہ

۱۱ جولائی ۱۹۰۴ میلادی ( خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید ) ( ۱۰ منات - ۶ منات )

در این حریبہ از ہرگونہ علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود

سچ مراسلات نام المسمہ معبول و در انتشارش ادارہ آزادست

## فہرست مندرجات

- سیاسی • تلکرافات • شوشر • اصلاحات جدیدہ
- یا خیالات عالیہ وزیر اعظم • داستان روسیا • تشکیل
- مجلس نرخ ارزاق • مکتوب مصلحانہ • جبل المتین •
- مکتوب بیفرضانہ • سوگواری و مجلس قانع خوانی
- مرحوم حاج امین الدولہ در طهران • مقدمہ • امتحان
- مدرسہ خیرہ • مسافرت اعلی حضرت ہاپون یارض اقدس •
- واقعات مختلفہ • الخطارات • قابل توجہ و کلای محترم •
- قطعہ تاریخ • شہراز • مکتوب خیرخواہانہ • بقیہ
- تلکرافات • اعلان • ترجمہ از اخبارات انگلیسی •
- سیرت • کلکتہ •

## سیاسی

فتوحات متوالیہ ژاپون در اقصای شرق تاکنون گرمی نوجہ سیاسیون فرنگ را ارتقیات بحیرالعقول آن سرد نہ نموده . ہر قدر بر اہمیت حکم می افزاید عظمت و وقار ملت و دولت . مشارالہا در اطار دول سائر پیش میگرد - قوت و اقتدار این دولت مختصر ویشی جستن وی بر بزرگترین دول برآ و بجزاً لذائذہ اختراعات و انکشافات او بحیرالعقول نیست - عم آنکہ در جنگ بری و بحری آلات حریہ را کہ بمقام استعمال آورده و بہ حرکت آن بر خصم قوی عہ تفوق جستن ہر جہت اختراع لصبکیہ دانشندان فرنگ را این

مسئله بیشتر محرومات نموده کہ در قابل زمان تا این درجہ انکشافات را ژاپون از کجا حاصل نمود و چگونه این ہمہ اختراعات نائل گردیدہ است - عم تر آنکہ در آلات و ادوات حریہ ہم کہ از اروپا جلب نموده بموقع خود نگار میبرد یک گویہ تصرفات بحیرالعقول نموده است باینکہ فرانسہ کہ علی الرسم در میدان جنگ موجود است می نویسد - آلات و ادوات حریہ ژاپون و وضع لشکرکنی و نقشہ پشرفت فشنوی او ہمہ تارہ و بستیدہ جمع اہل خبرت است - مشارالیہ را عقیدہ بر این است کہ استعداد جنگی روس در اقصای شرق قواعد مرووحہ کامل بودہ و ہست - ولی اختراعات حدیدہ و انکشافات عدیدہ ژاپون جمیع استعدادات روس را نفسی بی کار و معطل نموده کہ خواہ مخواہ باید دوات روس خود را در براروی غیر مستعد تسلیم نماید ہمینکہ باینکہ دوات فرانسہ ہر گاہ دولت روس را استعداد جنگی چندین برار امروزہ نیز بود بار ہم مجبوراً بدم استعداد خود قائل میگردد و ہر گاہ اتفاقیکہ برای دولت روس در مقابلہ نا ژاپون افتادہ برای ہر یک از دول اروپا پیش می آمد مخذولیت امروزہ روس را در حلو خویش مشاهده مینمود

آنہی ہستی است این ہست این ہست این ہست این ہست



تصورات را دولت ژاپون در سایه اختراعات و انکشافات جدید خود حاصل نموده که جمله ثمره تعالیم علوم جدید و نتیجه طالبه آن همه مکاتب و مدارس متعالیه است. سبایون فرنک را محال دم زدن و پیشین گوئی کردن در پیش رفت امور جنگ و حرکات قشونی ژاپون نیست. چنانچه مسلم جمیع ارباب حیرت است که در هر آن ژاپون نخواهد بندر آرتر را تصرف می تواند کرد مع ذلک قرب یک ماه است بندر آرتر را در محاصره گذارده تصورات خویش را بر جمیع طالبان پوشیده داشته است اگر چه غالب استحکامات و مقامات مبیعه و قلاع رهنه سه میلی سدر آرتر را ژاپون متصرف شده و گویا در هر آن میتواند برای سر قشون روس و تصرف سایر مقاماتی را که آنها قاض اند به باید چه توپهای جدید الاختراع کوه شکس قلعه کوب ژاپون تا هفت میل مسافت را بشاه نموده از خود را می محشد پس در هر آن مقتدر است قلاع مسکونه روسی را نه و بالا نماید بجه ملاحظه و تصوات اکنون دست نگاه داشته معلوم نیست

§ جنرال (رووتکن) - سیسالار کل قشون اقصای شرق ملاحظه بعض قوای حری خود و کمال استعداد ژاپون صلاح بدیده که لشکر کمک محصورین بندر (آرتر) فرستاده شود. امیر البحر (الکساف) مخالف با این رای و محالان وی نیز رحزل معظم له درین باب الزام میدهند. و برخی ارحر اید روسیه نیز در این موضوع مخالف حرکات و خیالات جنرال کرویاتکن رأی ظاهر میدارند -

روزنامه حالت فرانسه این مسئله را موضوع بحث قرار داده کشف مها نموده خیالات و حرکات جنرال (کرویاتکن) را مقرون صواب و صلاح می انگارد. احکامات مذکوره مینویسند که جنرال (کرویاتکن) امروره در مقابل خصم قوی بجه زیاده بر یکصد و بیست هزار لشکر میتواند میدان آورد - و حال آنکه به تحقیق پیوسته که سرداران ژاپون تهیه دیده اند که تا یکصد هزار قشون باوی مقاله نمایند - هرگاه بنا شود که جنرال موصوف قوای موجوده خویش را نیز تجزیه نماید گویا بدست خود حصم را بر خویشین جیره نموده - قبا شایسته چنین بوده و هست که بندر (آرتر) بی سایر مقامات مبیعه را که ژاپون قبضه نموده و محصور داشته

قسمت خود واگذارد و بخود سازی گردید  
§ روزنامه طمس مینویسد که حرکات لشکری ژاپون کلیه مستور و قبل از وقت احدی بی بدان نتواند برد. ولی آنچه از قرائن ظاهر میشود تا روزی چند جمیع راه های آهن منچوریا را بقبضه اقتدار خود خواهد آورد. فعلاً عمده تصور ژاپون منحصر در این نصیحت است همینکه راههای آهن منچوریا قبضه ژاپون آمد ابواب کک لشکریان روس مسدود خواهد گردید - و جمیع قشون وی در منچوریا بمحاصره خواهند افتاد از روی نگارش اخبار مذکور هر آن که دولت ژاپون بتصرف راه های آهن منچوریا نائل شد محاصره جمیع قشون روسیه و شکست بین روس را تسلیم باید نمود. و مطابق نقشه که سرداران ژاپون پیش رفته ارضهای خود را تقسیم و قشون خویش را منتشر ساخته اند صاف ظاهر میگردد که راه های آهن منچوریا را متصرف خواهند گردید  
§ آرتر (آرتر) که کلید منچوریا شناخته شده دولت روس دست شسته و با اینکه استحکامات آن در قطار اولین قلاع بحری عالم بشمار است در هر صه چند روز قبضه ژاپون خواهد در آمد. بندر (آرتر) علاوه بر اینکه برای تصرفات و قصد روس بر (منچوریا) کمال اهمیت را دارد دولت مشارالیه در قلعه بندی و تعمیر بندرات و دوائر قورخانه و توپخانه سرمایه هنگمت صرف نموده آنچه به محمین رسیده قصان ملی روس در بندر (آرتر) بالغ بر چهار صد میلیون رویه است و پس از تصرف ژاپون این خساره عظیم حیثیت مالمه روس را خیلی متزلزل خواهد ساخت

§ بعد از قبضه بر بندر (آرتر) دولت ژاپون قوای بحری خود را بجانب بندر (ولادیوسک) منتطف خواهد ساخت - تصرف ولادیوسک نسبت به بندر (آرتر) آسان تر است

ظاهراً جنگی که فیصله فتح و شکست را بطریق کامل نماید همانا جنگی است که در (لیاویانک) تهیه میشود. جنرال (کرویاتکن) جمیع استعداد خود در ادامه مقاله با ژاپون در (لیاویانک) جمع نموده و استحکامات لارمه تعمیر کرده و توپهای بزرگ بر دیوارهای قلعه نصب شده بخلق بیماری همیق و همیض بر دور آن کننده و در اطراف قلعه برای ممالک بر اعدام خصم تهیه های عجیب

نموده است (لیاوانک) پیش قلمه (مکدن) پای تخت  
منجور است هرگاه ژاپون (لیاوانک) را تصرف  
نموند بیک پورش مکدن را متصرف توانند.

اخبارات روسیه بنویسند که چون موسم باران  
در منجوریا آغاز شده حرکت و نقل قشون  
دشوار است. امید نیست که جندی جنگ معطل ماند  
و تا ختم موسم باران دولت روس نیز تدارکات جنگی  
خود را تکمیل خواهد دید ولی تلگرافات روزمره  
ظاهر میدارد که حرکات اشکری ژاپون را باران سد راه  
نشده و از پیش قدمی بار نایستاده اند و همه روزه  
به مقصود خود در حبش اند. چنانچه از تلگرافات  
روزمره فتوحات ژاپون ظاهر میگردد.

اخبارات روسی مینویسند که راه آهن دور دریاچه  
بیکال را همت و الوالزمی رجال روس بدین سرعت که  
فوق تصور جمیع ارباب فن بود تکمیل نموده در  
منتهای اطمینان همه روزه قطار راه آهن در حرکت است  
چنانچه هفده روزه از (مکدن) خطوط به پترسبرگ  
رسیده است. ازین رو امید دارند که دولت روس در  
فایت سرعت قوای حسی خود را در مقابله با ژاپون  
تکمیل نماید. از مراسلات جنرال (حارا کوف) که از  
سرداران بزرگ روس است ظاهر میشود که علی سبیل  
الاستمرار روزانه چهار هزار قشون به تأیید و کمک  
جنرال (کروپاتکن) وارد منجوریا میشود. ولی صاحبان  
خبرت و بصیرت در تصدیق این دو خبر که هر دو از  
روس رسیده تأمل دارند چه تهیه جنگ و مقابله با  
حکم فقط در کثرت لشکر و زیادتی قشون بست  
تدارکات ضروری دیگر نیز در کار است که دولت روس  
بدین سرعت از تهیه آنها عاجز میباشد.

علی ای محوگان از آثار جنگ تاکنون در میدان  
اهم از خشکی و تری ژاپونها غلبه بین جسته و فتوحات  
بینه داشته اند. چنانچه میتوان گفت طی دو ثلث مراحل  
مقصود را کرده و بالغ بر نصف میدارای فتح نموده اند.  
آینده چه پیش آید باید منتظر بروز و ظهور آن شد و  
دید. فرق این است که روسیان قبول و هیا هو  
میخواهند خصم را از پیش بر دارند و ژاپونیان فعل  
وقوه عقل و تدبیر. همان فرق که در قول و فعل است  
تفاوت ژاپون و روس در اقصای شرق شناخته میشود.

روزنامهجات انگلیسی می نویسند - قائده که ژاپون از  
تحقیقات حقیقه که عبارت از اداره جاسوسی باشد برده  
در هیچ جنگ هیچ دولتی آن قائده را حاصل نکرده  
است. بالغ بر ده هزار جاسوسان ژاپونی بلباسهای مختلفه  
در میدان جنگ و اردوهای خصم کشف حال و تحقیق  
حالات میشوند و مخبرانشان رأساً با اداره مرکزی  
جنگ است.

از تلگرافات تازه طاهر میشود که تاکنون دولت  
روس با استقرار جدیدیکه مایل بود نائل شده صرفاً  
پاریس که غالب از ملت یهود بدین بهانه ار ادای این  
وجه سر بار رده اند که دولت روس با یهودیان روسیه  
منتهای بد سلوکی و احصاف و تعدی را نموده و میباید  
میگویند اگر دولت روس تلالی آن همه ظلم و احصاف  
را که بقوم آنها شده بکند در ادای وجه این فرسه  
عذری نخواهد آورد. اگرچه اقرار در تصمیل خواهشات  
یهود بر روس سحت و رع و هیت اورا در انظار  
جمیع ملل حتی رعایای خود کم خواهد نمود ولی چون راه  
چاره را مسدود بیند بناچار تسلیم خواهد کرد و یهودیان  
درین موقع برای همیشه خود از جمیع دول عالم حاصل  
خواهند نمود.

احکامیکه دولت روس برای جلب قشون صادر نموده  
مورث خوف و هبحان اهالی گردیده چنانچه جمعی  
ازین دهشت حلاه وطن اختتام کرده ناروبا حاصه  
بسرحد آستریا فرار نموده و می نمایند.

یکی از محتملین که برخی از حمله اروپا را نکلمات  
او عقیدتی سزاست در این سال درباره دولت روس  
پیشگوئیهای میشوم نموده حتی در حق امپراطور  
اعظم روس هم سخنان موحسن نوشته است از آراییکه  
روسها کاملاً تربیت نشده و کثرت تمام یافته اند مانند اهالی  
ایران ستاره پرست و منجم پرورند. آنانرا انتشار اقوال  
این منجم معروف اروپا زاید الوصف متزلزل ساخته فتوحات  
بی در پی ژاپونیان نیز مصدق قول منجم مذکور شده  
روسیانرا بکدغه مرعوب ساخته غلبه ژاپونرا از اسبابهای  
آسمانی و مغلوبیت خود را از حکم نجوم حقی می شمارند  
آنچه تاکنون ظاهر شده دول فرنک تا آخر

نتیجه جنگ بی طرف خواهند بود. فواتین فرانس و  
آلمان در ظاهر انگلیس همراهی با روس دارند ولی

گان نبرود که علاوه بکنک روس و همراهی با وی اقدام نمایند - و هرگاه دولت ژاپون از دو سال قبل جلو این طایفه را ننگرته و با دولت انگلیس ماهدسوق عسکری نه بسته و با امریکا متحد و یگانه نگریده بود امروز از حدعه گرگانه اروپائیان آسوده نمی سود و با کمال اطمینان نمیتوانست در مقابله با خصم بکنته بایستد - بعید نیست که در آتیه وقتی که فتح و شکست یکسو شود - دولتین فرانسه و آلمان در چین ثمره فتح اقدامی بر خلاف ژاپون به نمایند - ولی چنانچه یکی از رجال با سیاست ژاپون دو ماه قبل در شورای ملی اشاره نمود ( دولت ژاپون تنها نباید مستعد جنگ با روس شود بلکه به تأییدات ملی دولت باید در جواب جمیع دول مهیا گردد ) میتوان گفت پس از فتح دولت ژاپون را از اتقاق دولتین فرانس و آلمان - صوفی ساری نخواهد گردید - چه مسلماً این دو دولت توأم با اندازه روس نمیتوانند در اقصای شرق تپه و تدارکات جنگی مهیا دارند - خصوصاً در صورتیکه دولتین امریکا و انگلیس متحد با ژاپون و از روی ماهده عبور به همراهی اویند یکی از رجال محترم روس باسم تحدید ماهده تجارتي وارد (برلن) گردید عقیده غالب سیاستیون بر این است که برای مائل ساختن دولت آلمان در استمرارض جدید است که روسرا از آغاز جنگ تاکنون حیران و متفکرو پربشان ساخته و هر در میزد او را گشایشی پیش نمی آید روزنامه (هرلد) می نویسد که از قرینه حیالات سیاستیون روس معلوم میشود که دولت مشار البها وساطت دول را برای مصالحت با ژاپون شکست خود تصور مینماید و خود نیز راساً اگر از ژاپون خواهش صاحب نماید مزید بر تخفیف او خواهد گردید این است که سد از کوشش باینج هرگاه فتح او را به سبب نگرید ترک منچوریا را گفته بدون صلح خارج شده و منچمال خود جنگ را باقی خواهد گذارد

غالب سیاستیون را عتیده بر این است که دولت روس تا وقتیکه محرك بك جنگ عمومی نشود و جمیع دول را یکدیگر بنهدارد این جنگ را خاتمه نخواهد نمود - و ریاده سعی دولت روس بر این است که رقیب بزرگ خود انگلیس را بمهله بزرگ اندازد و هرگاه ایواب چاره را مسنود دید قابلیت خود بهانه بدست آورده از طرف

ترکستان هندوستان خفه نتوانده نمود - و آن جنگ باطلای درازتخم نخواهد شد - انگلیسان نیز از خیالات روس واقف و در گاز خویش بصیرند یکی از جزئیات انگلیسی مینویسد که تا یازده سال دولت انگلیس بواسطه جنگ اقصای شرق از خیال پیش قدمی روس آسوده نگزید

تکرکرات

( ۱۸ ربيع الثانی - ۲ جولائی )

§ خبر (روتز) از (توکيو) خبر میدهد که آژ رپورت امیرالبحر (توگو) ظاهر میشود که یکی از جہازات گزمره روس که بشکل جهاز جنگی ساخته شده بود ژاپونیان بقوت کشتی موشک غرق کردند - و يك کشتی موشک روسی و يك جهاز دیگر روس هم در حینیکه وارد بندر آرثر می شد شب دوشنبه غرق نمودند

§ دسته جہازات ولاد یودسک به تلاش جہازات زیر فرمان امیرالبحر (کامیمورل) حرکت نموده تا کام مراجعت کردند § خبر (روتز) از (چیچو) خبر میدهد که پناهندهگان بندر آرثر بیان نموده اند که در جنگ ۱۲ مجروحین بشمار روس در آنجا رسیده - پناهندهگانیکه از رودخانه (چین) آمده بیان مینمایند که مجروحین بسیار از آن نواح میکندشتند ازینرو طاهر می شود که بجانب مغرب ژاپونیان پیشقدمی نموده کک زیاد برای محاصره با آنان رسیده است § امیرالبحر (توگو) خبر میدهد که شب دوشنبه علاوه بر جہاز گزمره روس شده جنگ سختی بین کشتیهای موشک رویداد - درین جنگ قشون روس از قلعه نیز شرکت داشتند ۳۱ مقتولین ژاپون بشمار آمده است

§ دسته چهارات ولاد یودسک بواسطه مه هوا و خبر دریا از جنگ امیرالبحر (کامیمورل) نجات یافتند - قاصه جہازات روس و ژاپون پنج میل پیش نبود در بین (اکشیا - وسوشیا) بودند - تمام جہازات روس بر کشتیهای موشک ژاپون شلیک کرده جہازهای دریایی خود را کم نموده فرار اختیار کردند

( ۱۹ ربيع الثانی - ۴ جولائی )

§ اول برسی در دارالشورای ملی انگلستان اظهار داشت که جهاز جنگی (اسیگل) را حکم شده که بجانب (نیوجوانگ) حرکت نماید § بواسطه موسم باران و تازندگی زیاد آمدگی جنگ موقوف شده

شوشتر

بموجب خبر موثقیکه از طهران رسیده جناب اعظم السلطنه که از جانب حضرت والا شاهنشاهزاده سالارالدوله چندی نایب الحکومه کل مملکت عربستان و بختیاری بودند و کمال بصیرت را در معاملات حکومتی این مملکت دارند و با اهالی مثل بدر مهربان سلوک می نمودند و مردم منتهای خوشنودی را از ایشان داشتند مستقلاً بمحکومت کل عربستان و بختیاری منتخب و بصوب عربستان از طهران حرکت نمودند از انتخاب ایشان اهالی را مسرت بر اندازه رخ نموده و همه منتظر قدم این حاکم مهربان و مقصد اجراء اصلاحات جدیده اند شاهنشاهزاده سالارالدوله مکدره از طهران بیرون آمده در خرم آباد فیلی توقف اختیار نموده اند چندین دختر از رؤسای الوار و غیره گرفته اند شاهزاده وزیر اعظم موق الدوله را فرستاده ترضیه خاطر ایشان را نموده عودت بطهران دهد

اصلاحات جدیده یا

خیالات عالیة وزیر اعظم

( از شماره ۳۸ )

دومین - مواد لارمه الاصلاح عمل حکومت بود توضیح آنکه همه میدانند حکومت در ممالک ایران برخلاف سایر اقطار عالم است - کسیکه بمحکومت بلدی معین شد کلیه امور از جزئی و کلی در تحت اداره او میشود - و نفوذ آن جاری میگردد در ادارات ذیل - عدالت - طی مرافعات - وصول مالیات و حقوق دیوانی - ادای حقوق طلبات مردم - قشون و تربیت نظام - امور تجارت و فوائد عامه - حفظ پلیسک دوات - امور نظمی و احتسایه - سرحد داری و طی منازعات رعابای ایران با تبعه دول همجوار - تعیین نرخ ارزاق و اسعار - خالصه جات دیوانی - حفظ صحت عمومی - ریاست عساکر و - و - و - و با اینکه در این سنین اخیره چندین ادارات مهمه از تحت اختیار آنان خارج شده از قبیل پست و تلگراف و کمرک و وظائف و کارگذاری و تذکره و غیره معذالک با این نفوذ کلی که بحکام داده میشد بر هرگونه امری اقدام میتوانستند نمود مخصوصاً در وقتیکه مبنای بعنوان پیشکش یا تقدیمی یا تفاوت عمل یا باسم دیگر از او گرفته

می شد هر آینه بر مراتب نفوذ و قدرت او افزوده میگردد اگر چه مقدار جزئی که از او گرفته میشد - نسبت بتفاوت عمل و حقوق مرافعات و جنایات و جرائم و غیره در صورتیکه موافق عدل هم باشد نسبت پنج بود - و لی چون امر در تحت مراقبت شدید و قانون صحیحی مرتب نبود زبان حکام دراز بود - و اگر مسئول میگردد بدیند که چرا ظلم کردید جواب میگفتند که اولاً موجب نداشتیم و ثانیاً مبنای در ذهاب و ایاب و توقف خرج نمودیم و ثالثاً آمارف و پیشکش داده ایم از آنجا که شخصی بمراقبت احوال آنان گماشته نمیشد کلیه خود را طایق العنان میداستند - و گمان میکردند این ناحیه یا ایالت یا شهر بدانها موقناً یا دائماً فروخته شده است و بجهت تحصیل خرق منافع شعب متعدده مقرر داشته اند

(۱) تفاوت عمل مالیات بجزائیکه دو مقابل زیاده از اصل میشد

(۲) بابت تسعیر غله دیوانی فی المثل از رعیت غله را عیناً گرفته یا بقیمت بازار بل زیاده تسعیر مینمودند و در عوض بدیوان یا ارباب وظائف و قشون بقیمت نازل تسعیر میشد و اگر عین جنسی وصول میکردند بزور و عنف بستوانان بچاره بگرائند از نرخ عادلانه مینفروختند مثلاً قیمت متعارف ده تومان بود بموظمین از قرار سه تومان می برداختند و بخیار دوازده تومان مینفروختند تفاوت در یک خروار نه تومان بود

(۳) در پرداختن مالیات بدیوان - این مداخل از جهات عدیده است

(الف) از حیث وقت و مدت مثلاً یکجا از سال گذشته شروع بوصول مالیات میشد سه الی چهار ماه از سال نگذشته تمام مالیات گرفته میشد - بالعکس در مقام رساندن بدولت اگر تا آخر سال می پرداختند خیلی خوش حسابی کرده بودند - و این تفاوت که علی الاقل شش ماه بود از قرار صدی ده پنج میشد و بزعم من از نه در صد کمتر نمیکردند

(ب) از حیث جمع و خرج یا درهوا که اصلاً وجود خرجی نداشت بیان این مسئله آنست که در اول سال که حساب میشد چنین بنظر می آمد که مخارج چندان زیاده از مداخل نیست - و حقوق نوکر و غیره بلا عمل



گانند ولی در آخر کاشف بعمل می آمد که دخل و قاف  
 آن بخرج نموده کرد و ما حقوق مردم در زمین است  
 و این مسئله حکم ممانا پیدا کرده کسی بحقیقت آن  
 نرسید. و بعضی چنین گمان میکردند که واقعا چند کرور  
 خرج بر دخل فزونی دارد. و تعجب مینمودند که  
 باوجود ازدیاد منافع دولت در این سنین اخیر از  
 بابت گمرک و تذکره و پست و تلگراف و غیره چگونه  
 این فاضل پیدا شد. اصل مطالب همین است که  
 حکام حیف و میل کرده جمع و خرج زبانی می ساختند  
 مبنی از دخل بنام باقی عمل و نا اصولی و خرابی مزارع  
 و قری معین مینمودند که آخر سال راجع بوزیر  
 قایا شده حاصل آن جز تعارف و رشوه و ریر بقایا  
 عیشود. و اگر بتواند اسباب قده بریا کرده در سرحدات  
 و عشایر احداث طغیان و آشوب نموده حزنی را در  
 نظر اوایاء دولت کلی و مهم جلوه داده مصارف زیاد  
 تجدید میکردند و خود را مباشر دفع این غائله نموده  
 مبنی معتد به صورت و قلم داد میدودند. سئیده نگارنده  
 اکثر افتشاش داخلی از حیل و دسائس حکام است و  
 اکثر قایع که در زمان شاه سعید شهید واقع گشته  
 مخصوصاً در طرف شرق شال یران از اثر طمع این  
 حکام باند دانست. و از تواریخ آن زمان و ملاحظه  
 حالات آنوقت بهره کلی دیوان بجهت آینده بدست  
 آورد. اگرچه مادر آن اوقات سودهایم و از حقیقت  
 امر عیناً چیزی نمیدانیم. ولی مردمان با اطلاع بیغرض  
 که معاصر آنوقت و زمان بودند این مطالب را  
 بخوبی بدور غرض و مرض بجهت عبرت آیندگان درج  
 در مسطورات خود نموده اند بجهت اسباب مدعا شمه  
 از کلمات مرحوم (عبدالمک) را در اینجا بجهت ملاحظه  
 هل بصرت و آگاهی و اطلاع بر حسن بیات و حیالات  
 عالی و وزیر اعظم عیناً نقل مینمایم. آن وزیر بزرگ  
 مرحوم در یکی از رسائل خود در ضمن احوال میرزا  
 یوسف صدر اعظم چنین مینگارد  
 حزه میرزا که بامیر جنگ ملقب شده بعد از  
 خدمت سرو که اداره کمایت ایشان دولت ایران را از  
 خاک برداشت چه قدر حکومت میکند گویا حزه میرزا

در این حکومت تازه که بملایوت کجنگه لقب یافته تمهدی  
 طعنه کرده که بقوت این لقب از ترکمان انتقام بکشد و  
 خود را بعد از آن بدنامی نیک نام کند. آنچه خبر  
 میرسد فتوحات او تنها بیک شکار خانگی منجم شده  
 (الله یارخان) در گزی که بیای خود در ارک مشهد  
 بحضور والا شرف گردید اسب و اسباب او و مهر لگاش  
 را خدام والا ضبط کرده خود او را مغلولاً بداز الحلاله  
 گسیل نمودند رئیس کل (یعنی صدر اعظم) از حزه  
 میرزا اینقدر نرسید حرم این بد بخت که در آن سرحد  
 بغیرت کشی دولت معروف است چه بود

وصات و خویشی جدید حاجی میرزا رضا (۱)  
 با سهام الدوله (۲) و امیر حسین خان ایلخانی [۳]  
 اقتضا کرد که الله یارخان را از آن سرحد نفی کند درگز  
 و کلاتهم وقتی که خود سری سهام الدوله و ایلخانی قهری  
 ظاهر تر نمود حزه قلمرو مشارالیه شود و خدا کند از  
 احوال الله یار خان و کسان او که در درگز ضبط شده  
 سهم جناب آقا و حق السکوت او را بقشاعده فرستاده  
 باشند. نوشتجات سرحدیه خراسان که همه از جملیات  
 خوانین سرحدیه است و استناد حزه میرزا باهاست  
 چون حاکی از استعمال آلات حرب و فرستادن امیر  
 دلیر است رئیس کل را (یعنی صدر اعظم) بخيال می اندازد  
 که در عهد ریاست او است که فتوحات دست میدهد  
 (باش تا صبح دولت بدمد) هنوز خبر صریح نرسیده  
 که مبنی بر اصل است یا نمکس بعبادت محمود منشیان  
 دست آموز فرامین منصب و نشان و علاوه مواجب  
 را صادر کرده خواهند فرستاد.

همه دنیا دانسته اند قوت روس در آن صفحات  
 ریخته ترکا را خوشکانیده و رمق با آنها باقی نگذارده و  
 حرکات ایشان بالفعل حرکت مذبوح است بی زحمت  
 حزه میرزا و خوانین سرحدیه ولایت خراسان از آفت  
 حایه ترکان ایمن است و بمحافظت مآلیه روس مبتلا است  
 هانا (عاقبت گرم تو بودی) نگارنده گوید. این است  
 پیشنگونی و اخبار از آینده که این مرد بزرگ حالت کنونی  
 ملوا در می سال قبل بحقیقت نشان داده است (ان  
 هذا من اساطیر نوحیه الیک)

(۱) میرزا محمد رضا مستشار الدوله خراسان است (۲) سهام الدوله امیر حسین خان امیر قاقان است  
 (۳) امیر حسین خان ایلخان حاکم قونجان است

هم ریاست کلیه سکه در شرق و شمال خراسان مشاهده میکنیم. هم واحد است و مترصد است که از قبل الله یاریان و حکومت جدید درگز و مال المقاطعه خرابان که میرزا مسیح تانی یعنی میرزا محمد رضا متقبل شده باو چه خواهد رسید

یکی از سیاحان ما که قسمت آسیا را بتمام سیاحت کرده ترکستان ماوراءالنهر را بتفصیل دیده در کتاب سیاحت خود از حالت ترکمانان دشت و ترک تازی از آنها که بسفجات خراسان میشود وصل مشبهی بیان کرده اظهار تأسف میکند از اینکه دولت ایران از عظیم شاهانه که اسباب قلع و قمع ترکمان است عاجز ساخته و بانها معامله بمثل میکند بخلاف دولت روس استیصال این طایفه را تدابیر بکار برد که نمر بالفعل آن تصرف نمرقند و بخار است - و نمر بلمال آن خدا داند که چه خواهد بود (نگارنده گوید نمر بلمال آن تصرف ترکستان فیهب و مانجوری و امتداد و اتصال راه آهن از مغرب بمشرق است - و بالاحره تصرف دو دریای گرم و نملک مشرق الاقصی - اگر چه در این ایام حملات متوالیه زاپون این مسئله را بکلی منقلب نمود تا بقول صاحب رساله خدا دانست که چه خواهد بود)

دولت ایران عوض اینکه مثل دولت روس به پیش بردن آبادی و استحکامات مدینه ترکمان را ضعیف میکنند هر یک از ولایات سرحدیه خراسان را بیک سلطان نشین معتبری کرده تا مگر سلاطین مزبور بزرگی کلاه و برق الاقیس نقره و قباهای الجوخ سرخ و کراوات میدهند. سلاطین مزبور چون دوام سلطنت خود را در ابقای ترکمان و اغتشاش دائمی سرحد میداند هرگز بقلع و قمع بلکه رنجش قاب ترکمان راضی میشوند. هر وقت آنها را در ترکمانی و عارت بعید العهد می بینند بمراسلات مشتاقانه ایشانرا بولایات داخله خراسان دعوت حوایند کرد که در آن تاخت و ز کامل حق جواز کمالاً اخذ نمایند. و بارای چند فرسخ که بشایعت ترکمان میرند از دولت ایرانهم بامتیازات جدیده نایل شوند -

از این خاشاک گاهی باستعداد دولت ایران ضرر قاحش میرسد باین معنی که هر وقت از ترکمانان در اجابت دعوت خود قهوری دیدند بنوشتهجات معموله سرحد

حکومت خرابانرا مضطرب و ملهء میکنند که مجموع استعداد دولتی را بمعیت ایشان بآبادیهای ترکمانان براننده کند اگر فتی روی داد به بلذیت و حسن درایت ایشان راجع شود. ترکمان هم متبه میشوند اگر در اجابت دعوت قهوری کرده بودند و هر گاه شکستی هم میرسد سرباز و توجیح دولت باسیری میرود و سرهنگ و سرتیب مقصر دولتی است و نمیداند خود را از چه راه بجائی برساند -

سلاطین مزبوره از راه راست تا کمال سرعت بیای تحت خود خواندشتافت تا در مجالس خاص از ضعف دولت شادمانی کنند و استعداد دولتی سحریه واستهزاء نمایند -

اولیاء دولت ایران اگر فریضه تعارفات بزرگان سرحدیه خراسان نشوند از خرابی دره گز و مخلوقی که بعد از عزله الله یار خان از مجال درگز باسیری رفته و غالب بلاسکنه شده قیاس خواهد کرد - که سازش امیر حسین خان خاندانی و حیدر قلیخان سهام الدوله بترکمان سازشی است دائم و قائم - والا برایشان واجب بود در نبودن الله یار خان ترکمان مزبوره را منع شدید از اطراف د مگر نمایند -

کیومرث مرزا که وکیل الملک مرحوم از بریت او تبرا داشت بتبری حکم شاهرود و سظام شده و این ولایت هم سرحدیه کامل دارد و هم مرکز تجارت تیره روس است لذا موسی اله را که تبه روس ترکمان پیاده لقب کرده اند حربه ماه حکومت دست او بیال اسپ نرسیده که بخطوط سرحدیه سرکشی کند این کظرف در طرف کم پست هزار تومان متجاوز اهالی این ولایت تمدی کرده و چنان بر مردم سخت گرفته که خانه و عیال خود را گذاشته بتظلم آمدند - ریاست کلیه ایشانرا بدیوان عدایه فرستاد ضعف الطالب و لمطلوب کسی میگفت کیومرث میرزا معزول است احقاق حق و احیای نفوس - تطمین مزبوره بنفس قدسی میرا مسیح محول شده که مرده ایشانرا باعجاز عیسوی رنده کرد و از آن عذاب اینکه سالها بماندند آنها چشاییده قدری باینها بچشاید تا قدر کیومرث میرزا را بدانند از گرمها که آب خورشان از چشمه سار ریاست کل است چهار گرو هند که تا اهالی چهار ولایت در

عدم وفی آنها متفق نشوند برئیس کل عالی نمیشود که وزیرای سابق بجهت میرزا هادی ولایتی را در پایهٔ عمل ولایت راه نمیدادند طایفان باعدم میرزا سیح - فارس به نفی میرزا ابوالحسن خان - اصفهان دفع میرزا حسین باقر خان - خراسان بطرد میرزا محمد رضا -

سرحد داری عراقین و حکومت آن صفحات بمدهٔ فراوان است دانالین که همهٔ آنولایت را ملک موروث و خانهٔ قدیم خود میداند. در احتکارگندم و جو او مأمور ظلم و حور و متصدی حکام و ایام همه است این کل چشم کاهرختم که گویا آزه از غازهٔ مشاطهٔ بارغ شده در افکن را فراز ببری بمشوه گری و طاشق گیری سیدی دارد. و قق لقب او بپاه منقش و حالا طار حوش خط و خال معروف است. املاک مردم را بمشوم حرکت خود جنان زهر آلوده کرده که یک نفر از شرکاء را زهرهٔ آن نیست که حق خود را تصاحب کند دطوی ندیده و دواعی حکمرانی دتی بدست هم داده نواب والا را مالک بادتحفاق کرده اگر همت سایر حکام بصیبت مزارع و قری مقدور است طبع والای ایشان تصرف قصبه و بلوک قاع نیست -

مجال جیجاق و پیدتون آ ذهاب و قصر شیرین ملک طلق شده کاش این حیمة بلند ستون بی ستون شدی دوات بی عماد میشد خاق از عتاد او این میشد عمری است عراق عجم از اقتدار او مسمومهٔ المذاقت و عراق عرب از احتکار او در حیل العیلاق و وجبات طول این سلوک نواب والا را بچند شبهه منسب کرده و روی هر شبهه و کبلی متعجب شده -

تصدیات داخلهٔ او در کتف و کالت و ریر مالیه محو است و در مساوی سلوک مساوات مایل است اشرف جابلوند را تا از دال سگوند بیک کند بسته که چرا مدارهٔ بلند بدانندهٔ الوند برده اند و با بوی سیاه میدان سمند کشیده اند

خطاهای خارجهٔ او بوکالت و وزیر امور خارجه مدواست خطوط سرحدیهٔ آن صفحات شبوهٔ عماد پیش گرفته و پیش آمده و رعیت سرحدات طریقهٔ درویشی اختیار کرده شکسته و پس رفتاند. مجال پیشکوه پشترو شده بلات نفی بطایف عبیرهٔ بنی لام در همین شطالعرب

سکنی گرفته

شعبهٔ شبهه کاری او بتر دستی و چشم بندی های قوهٔ کاذبهٔ موکول - خاک قدم او را کل بصر خود کرده تارنهٔ امیر جوانی یاقه و از اینجا معلوم میشود در توضیح عمل فرع و بقاء شبهه و بالا بردن درجهٔ تمدد و کلا که تنازع عاملین است بر معمول واحد برای حکام چه قدر فایده است از وسعت خیابان شمالی اراک بمخایا و زوایای قورخانهٔ مبارکه روشنائی افتاد. حاصل عمل سنوائی آنهارا بطوری کشف کرده که معلوم میشود ( اندر این صندوق جز لعنت نبود )

دیگر حاجت نیست شایک روزهای پنجشنبه توب و توفیق صدای نحیف شهادت بدهند که اجزای بارو طبی قوت است قوت اجزای قورخانه همه وقت بر قوت اجزای بارو ط چربیده دائماً دهنهای ایشان باز است که شاید از این دهن سبیلی چرب کنند. حق میرزا عیسی دعوی باز کرده که به بانهای متداوله از قبیل باز آید چیزی بردارد. دخالت علاءالله و نظم و اندی که بحرج داده حاصلی جز درد سر برای دیوان مرتب نشد باکه بیافزود درد دگر از رسوم بیل و تریزین

حرارت هوا و تندی بارو ط وزیر فیروز جنک مجال نمیدهد نظم تازهٔ قورخانه را بدیم. بیل ترسا و پهلوان ترسا و از ترس تکالیف شاقهٔ وزیر جنک دم به تله نداده. مثل میان دار در وسط زور خانه ایستاده بنوجها کار کشق یاد میدهد. و دلخوشی اواز این اسم و منصب تنها بنهامت بدن و کشیدگی ارو و بر جستی اعصاب و شهلائی چشم و هرق خوردن است و هرق کردن

اگر سال و ماه در ایجاد صنایع هنر تازه در او بروز کنند آن منزوا به بعضی سلیقه و قوهٔ دراکه وزیر جنک راجع میکنند که از شر او آسوده باشد. ولی اصرار وزیر جنک او را مجبور می نماید که حواشی فردهای حساب را تصدیق نویسد. کاریل ترسا از خیرشاهزاده بجان خواهد کشید که دین تازه اختیار نماید. و اگر در این مسلمانها حق میدید دین خود را میدانست که از دین آبا ابا کند (هیئات ان یصلح العطار ما افسد الدهر) امر قسانیت و غرض که ختم عدل و نصفت است تا دم مرگ در خجالت ضمیرین ایران. غرض است

داستان روسیا

از شماره ۳۷

(باهن) از بیرون رفتن این پیک آگاه شد در بیرون شهر خود را بدو رسانده او را نگاه داشته و فرمان را از او خواست. پاسخ داد که بمن امپراتور داده و نمیدم (باهن) چنان وا نمود کرد که سخن او را باور ندارد بزور نگهبانی نوشته را گرفته او را در بند نمود پس از گشودن نامه دانست که بچه گونه آفتی دچار است پی آنکه دی بگذرانند یک راست آمد نزد بزرگانی که با او همداستان بودند و گذارش را در میان نهاد و نا گزیری تا روز دیگر باید کار (پاولو) ساخته شود در میان نهاد همگی هراسان و بی تاب شده با او یک دل و چنان بستند که روز دیگر بکشتن امپراتور پردازند. از کارهای شکفت آنکه همان روز (پاولو) حمله شاهی را از برکنده و محامه با شناسائی در آمده و بگردش پترسبورگ بیرون شد در میان راه یک آدم گم نامی از میان مردم پیش آمده نامه در دستش خواست به امپراتور بدهد - امپراتور دست دراز نمود که نامه را بگیرد اسب آغاز سرکشی کرد و امپراتور نتوانست نامه را بدست خود بگیرد پس آنمرد بیکی از نزدیکان امپراتور که همراه بود نامه را سپرد. در نامه نگارش رفته بود که امشب اندیشه کشتن امپراتور را نموده اند و نام کسانی که در اینکار همداستان بودند یگان یگان نگارش یافته بود

اما از آنجا که خواست خدا آن بود که باید بدست آنان کشته شده و از تخت شاهی بزیر خاک تیره جای گیرند پس از برگشتن بسرای آن ممد امپراتور جامه ناشناسی را از بیرون و جامه درباری را پوشیده و نامه در بفل جامه ناشناسی او مانده و فراموش نمود که بیرون آورده به امپراتور بدهد - این بود که بکشتن امپراتور دست رس گردیدند

پس در سال (۱۷۹۰) یازدهم (آذار - مارت) بیست هفت از سرداران و بزرگان روس که هم پیمان بودند در نیمه شب با ساز و برگ بسرای امپراتوری رفته و بدربان گشودن در را فرمودند - دربانان فرمان نبرده در گشادن در خود داری نمودند بدربانان گفتند ما را امپراتور خواسته درکار مانشاهی کنش نزدی فراهم خواهد آمد. دربانان

چون دیدند همگی از سرداران بزرگ و دستوران سترک میباشند سخن آنان را باور نموده در را گشودند. و آنان یک سر بسوی خوابگاه امپراتور شتابیده چون نزدیک شدند یکی از آنان پیش افتاد دو سه پاسبان که در آنجا پاسبانی می نمودند بیدار شده از او پرسیدند در این نیمه شب بچه کار آمده اید گفت در شهر آتش سوزی شده آمده ام که به امپراتور آگاهی بدم آنان فریب او را خورده آنمرد خود را به خوابگاه امپراتور رسانیده بکوبیدن در آغاز نمود و آواز داد. امپراتور آواز او را شناخته و در را باز نمود

پس از گشوده شدن در گفت در شهر آتش سوزی است و برگشت همراهان خود که در تالار ایستاده بودند آگاهی داد که امپراتور در راه است و هاندم همگی همگروه بخوابگاه او روی آوردند نگهبانان آنمرد دانستند که از برای کشتن امپراتور آمده اند به جلو گیری برخاستند آنمرد گروه بر سر آنان ریخته و همگی را کشتند و بخوابگاه امپراتور در آمدند و نامه که آماده نموده و در او نگارش داده بودند که من خود از سر پادشاهی گذشتم بنیست گرفته و به او نمودند و گفتند که باید این کاغذ را پذیرفته نام خود را بنیست خود در زیر بنویس و سحقی و ایستادگی نموده آواز بلند نمودند که امپراتور ما بنیستی و امپراتور ما (الکساندر) است همینکه این سخنان را سرودند آتش خشم پاولو زبانه کشیده همگی و بزه بدوست مادرش (زبوف) دشنام دادن آغاز و در خور کردار زشت به او سر زتن نموده و هراسان نمود و ناسپاس و نمک ناشناس بودن همگی را شمرد و رفته رفته بر خشم او افزوده و گفت هرگز دست یغینین نامه نمیگذارم و نمی پذیرم چون تا این پایه بردی امپراتور را دیدند بای استواریشان لغزیدن گرفت و یا آنکه بکشتن او هم پیمان بودند در هیچیک نیروی آشکار نماند و بجای خود ماندند یکی از (جنرالان سرداران) با خود گفت مرا چه شد بیداست اگر زنده بماند همگی کشته خواهیم شد هواداران خود را سرکار آوردند یکباره با کارد و دشنه و خنجر بر امپراتور تاختن گرفتند و جامه زندگانش را چاک کردند

(باقی دارد)



تشکیل مجلس نرخ ارزاق

یا یکی از اصلاحات جدیدہ

( از شماره ۲۸ )

خلاصہ - ہذا اہل مجلس بخوبی ازین تفصیل مطلع اند ذکر معایب آن لازم نبود آنچہ اہمیت داشت جلو گیری و دفع این کار بود حاضرین در سدد یاقین را صحیح کہ روح مطلب را بدست بدهد اقتادند یکی از حضار گفت باید علائقہا را حاضر نمودہ التزام گرفت کہ تمدی نکنند مداخلہ در عمل خرید و فروش نمایند با کثرت آراء این رای قبول نکردید زیرا کہ حکام ہر سال از ہر صنف اقلا سی مرتبہ التزام میگیرند برای ہر جزئی مطلبی تمہدات میدہند ولی بحقیقت نظیر باد بر چنبر است - فوراً جزء ہوا شدہ مضمحل میگردد - دیگری گفت باید مسئلہ قبای داری را قدغن و موقوف نمود ہر کس بار خود را بہر نقطہ میخواست برد و بہر قبای یا ترازو بخواند بکشد تا مصرف علائقہا تمام شود - این نیز رای متین بود زیرا کہ موجب سرگردانی صاحبان احوال است کہ در کوچہ و بازار دور گردانیدن و راہرا برعابریں تنگ کردن و برای سنجیدن بار معطل شدن نہایت مورت زحمت است و بالاخرہ واضی میشوند کہ کار بدست علاف رجوع شود - کذلک جہی دیگر نیز بارہ سخنان گفتند کہ ہیچکدام پذیرفتہ نشد - عاقبت پیر مردی از اہل آذر باہجان کہ آثار قوت عقل و تجربہ و تدبیر در امور وغور در حقایق از سپاہی آن ظاہر بود برخاستہ حاضرین را امر بسکوت نمودہ بعد از سکوت حضار چنین گفت - در ہذا ممالک متحدہ رسم بر این است کہ اوزان و سنگہا از قبل دولت مقرر میشود - چنانکہ شما ( خطاب بمختار السلطنہ ) نیز چنین کردہ اید قبای ہم یکی از اوزان محسوب است پس چہ معنی دارد کہ قبای از قبل علاف باشد - علاف چکارہ است کہ زمام امور عامہ را بدست گیرد - باید تمام قبایہا یک قسم و در تحت یک ادارہ باشد - و ہم یک نفر منشی و میرزا بجهت ثبت لازم و فوائد آن بسیار است - یکی آنکہ دزدی و تقاب این قبایدار ہای حالہ از بین مردم میشود کہ سهم من را سی و پنج من میکنند برای

خریدار و بیست و پنج من در حساب فروشنده محسوب مینمایند - زیرا کہ باید مقرر نمود کہ قبایدار حق دلالی و توسط ندارد قیمت را با مشتری طی مینماید و مشتری پول را بخود فروشنده تسلیم میکند و باید تمام قبایہا بہ پایہ داشتہ باشد - تا واہ قلب مسدود گردد فائدہ دیگر آنکہ بواسطہ ثبت و صورتی کہ میرزا بر میدارد و ہر شب با دارہ احتسابیہ میسپارد میزان واردات از ہر قبیل معلوم میشود - اگر کسی زیاد از مصرف خود جنس خرید و انبار کرد چون صورت آن در ادارہ موجود است در مواقع لازمیہ کہ قدری جنس کم وارد میشود از او میتوان مطالبہ کرد و عذر قبول نمود و مانع از گرانی اجناس شد تا در ہذا فصول سال نرخ ہر چیز یک میزان باشد فائدہ دیگر آنکہ چون اختیار بدست علاف نیست - و صاحبان بار خودشان میفروشند و پول میگیرند ہم کس میتواند در کمال سہولت در ہر وقت میخواہد خریداری کند و صاحب بار ہم چون فائدہ و منفعت دید بیشتر وارد میکنند و لایداً اجناس ارزان میشود باقلا سال گذشتہ اول دو عباسی بود ہمجردیہ کہ بمیدان امین الساطان رفت چہار عباسی شد - فقط چہنہ کہ باید گرفته شود حق قبای داری است و آن باید در ہر باری صد دینار باشد - دیگر مصارفیکہ حالہ متعارف شدہ یعنی است - خریدار و فروشنده در عمل خود مختار باید باشند ربطی و دخلی بقبایدار و فروشنده و آقای علاف باشی و رئیس میدان ندارد - میدان نایب و رئیس نمیخواہد فرانس لازم ندارد - پس روح مطلب همین است کہ نباید اختیار اسعار و دلالی بدست صاحبان میدان و علائقہا باشد - علاف ہم مثل سایر کسب جلس خود را خریدہ تدریجاً بفروشد با فرما فرمائی و ریاست و حکمرانی چکار دارد - دران وقت کرایہ میدان از جیب ما بیرون نخواہد آمد علائقہا در در سال از پول ما فقراء مستطاع و واجب الحج نخواہند گردید - در یک بار خربوزہ یک قران از مشتری و دہشاهی از فروشنده و یک قران خربوزہ برای قبایلداری و یکی برای نائب میدان و یکی برای فرانس میدان دادہ نخواہد شد باطلیبہ اوزان و فراوان خواہد گردید ہذا حضار این سخن را ہمزمان خرد سنجیدہ

پسندیده تصدیق نمودند که باید این قبایح را موقوف کرده و سپرد . کسی بواسطه و دلال نشود بحدت قبایح از جانب مجلس و اداره احتساییه مقرر کرده و در هر بار صد دینار برای حق قبایح داری از صاحب بار گرفته میزنای ثبت بار و وزن و قیمت و نام فروشنده و خریدار را بوز دفتر برداشته هر شب بداره احتساییه تحویل دهد

یک نفر دلال کاشانی برخاسته گفت همه این مراتب موافق عقل و صحیح است مگر آنکه ممکن است میرزا با دلال مواضع نموده قلب نمایند و احتیاج را کم و زیاد کنند از علاف رشوه گرفته بآنها بسازند دوباره کار شکلی اول شده و نمری بر آن مرتب نخواهد شد - اگرچه بواسطه اینکه قبایح حق مداخله در خرید و فروش ندارد زیاده نمیتواند قلب نمود و بذریعه اعلان که از طرف مجلس در این خصوص منتشر خواهد شد علاف نیز نمیتواند مانع کسی بشود و اگر طایع شد فوراً بداره احتساییه متشکی شده از علافها مواخذة خواهد شد ولی معدالك لازم است برای هر قبایح یک نفر مفتش مقرر شود تا ثبت علیحده برداشته بداره شب شب بدهد و از درستی و تقاب آنها مطلع شده راپورت آنرا هر شب بداره برساند حضار این رای را تصدیق کرده ورقه مشتمل بر این مطلب نوشته اعضای مجلس بر کردند و بدست مختار اساطنه سردار منصور سپردند تا در موقع اجرا گذارد

### مکتوب مصلحانه

در روزنامه مظفری مورخه ضرة ربيع الثاني مرقوم بود که جناب رفعت السلطنة اراده احداث بیمارخانه در عباس آباد دارند و از قوسل دولت انگلیس خواهش نمودند که (داکتر) و پزشك از بمبئی طلب نمایند مدیر محترم مظفری می فرماید که از جوانان ایرانی سکه در فرنگستان تحصیل نموده و تکمیل شده در صد هشتاد نفر تحصیل علم طب کرده اند و بجهت مریض خانه حکیم یگانه از بیگانه نیکوتر است و شرحی در این باب مرقوم داشته این بنده بقدر سهم خود از ملت دوستی و حقیقت نویسی مدیر مظفری بهزاران زبان ادای تشکر میکنم عجب با آنها رفعت السلطنة حکیم از خارجه آنها از مأمور خارجه نخواسته .

از قرار مسجوع عمره هم از بمبئی يك دانشمند فرنگی طلبیده اند ظاهراً يك دو سال است سکه مازم شده و در آنجا ملازم است - فرضاً بزرگان ما کمان می کنند که حکیمان ایرانی کامل التحصیل شده اند و میخواهند که بحکم شرح مطاع حکیم صادق احضار فرمایند امروز پزشکان زردشقی که کامل التحصیل و سالها بمعالجه و تیار و بیماران مشغول بوده بسیارند بلکه تحمیناً بخواه نفر از زنان ایشان نیز فارغ التحصیل شده اند و این زنها از برای معالجه زنان ایران چه قدر شایسته می باشد یکی از پزشکان زردشقی اکنون در بمبئی از جمیع اطبای آنجا مراتب امتیاز یافته است

چون اکنون از اقبال بیزوال ذات اقدس همایون مداخله گرکات و طالبات سال سال در فزایش میباشد خوب است که اولیاء دولت عایه از طبیبان ایرانی که بی کارند بهر شهری بهری بفرستند که دیگر جراند خارجه نگویند که زن و مرد ایرانی بر فلان حکیم فرنگی هر روز محوم می آورند - و از آنجا که اداره حافظه الصحه خاصه قرنطینه سرحدات باید در دست مأمورین دولت باشد چون این روزها ناخوشی و نا از طرف بصره بلکه طاعون هم از جنب بمبئی خدا نخواسته رو بمخایج فارس نهاده جلوگیری این بلای عام در سواحل بحر و فرضه بحیره از فرائض است رای بنده این است که این خدمت را بیکی از حکیمان ایرانی بدهند و ده پانزده نفر از پزشکان زردشقی مرد و زن از بمبئی طلب نمایند که اولاً معالجه بیماران را بنمایند - ثانیاً محوم اطعمال را حبراً آبله کوی کنند - ثالثاً جلوگیری از طاعون و امراض اجنبیه نمایند

### حبل المتین

شش سال است بارها در این باب مقاله ها نوشته ایم ولی چون قانون در مملکت نه بود حتی برداشتن کسافت رشت لازم بحکم صدر سابق بود - ناچار در باب مطالب معروضه توجه اورا باین طرف متکشیدیم ولی افسوس آقا میرزا علی اصغر خان حرفی که مداخله نداشت چون هزار با آنرا گاهی بگوش راه می داد

### مکتوب بیخوضانه

چند سال است که خبر بجهت اثر تشکیل شرکت اسلامیة در جراند ایران و خارجه مندرج شده

با عمل درجه طایفه مسرت و امیدواری خیر خواهان وطن گردید

چون جای این شرکت مبارکه در شهر شهر اسفهان می باشد سکه از حیثیت موقع و محل و آب و هوا بهترین امصار ایران است و علاوه بر این در تحت حکومت نواب والا شاهزاده اعظم ظل السلطان و تقویت و همراهی از طرف علمای دین مبین و اولیاء دولت ابد قرین هم در حق احق ایقان میشود. لهذا سیر خواهان وطن گرامی امید می داشتند که جمیع متمولین ایران یا شرکت اسلامی شریک و شامل شده و بزودی اقدام بکارهایی که مایه مزید شأن و شرف و شکوه ملی تواند شد خواهد نمود. حتی جرائد فرنگستان هم بملاحظه مرحمت و تقویت حضرات عالی و مجتهدین موالی بترقیات کاتبه این کلبانی اعتقاد زیاد داشتند

ولی جای تأسف و توجع است که بعلمت عدم قانون تا امروز اسکنر صاحب ثروتان ایران در این باب همت بزرگانه نفرموده اند. چون اکنون اولیاء دولت روز افزون از قرار مسموع تبه و تدارک احراء احکام قران مجید و قانون مفید که طایفه رفاه و آسایش عموم ناس و ترقیات دولت حاوید اساس است مینمایند حالا وقت است سکه متمولین محترم نامدار خاصه تجار فرخنده آثار با کلبانی های ایرانی متمق شده نخستین بذل اهتمام و صرف سرمایه و اوقات در راه آبادی و زواعت محزما بویژه از سر چشمه رود کرد تا آخر سواحل شط العرب نمایند تا بیا استعدای امتیاز راه آهن از دولت علیه کرده از دهنه شط العرب یا محصره یا اهواز سنای راه آهن کنند

ساختن راه آهن ارا اهواز تا اسفهان هرگاه از روی علم و سابقه و صرف کاری و صداقت شماری به شود آن قدر ها بول لازم ندارد که مضمی کان کرده اند در صورتی که اولاً کلبانی ایرانی امتیاز از دهنه شط العرب تا طهران بگیرد و متمولین بختیاری و اهراب هم شریک باشند اول از اهواز راه آهن کوچک بنا و در هر یست و پنج میل یک ایستگاه بسازند یعنی یک راه بکشند و بمر ایستگاه دو راه بجهت ایاب و ذهاب و دو هر جا که ساختن بول واجب است بول

را بسیار استوار و بقدر آمد و رفت دو راه آهن بزرگ ساخته شود و این راه را بهمین طور تا اسفهان برسانند آنجا که رسید قطار راه آهن بدون حرکت خارجی خود را بطهران خواهد رسانید و بعد از آن که مداخل راه آهن زیاد شد از دهنه شط العرب تا اهواز هم دو شعبه توانند ساخت و سپس یک راه دو راه می شود و همین قدر راه بجهت عظمت و حشمت کردن شهرها و آبادی و زراعت صحرا از شط العرب تا طهران کافی است بعد از پنج سال یا صد سال اگر راه آهن کوچک کمسایت نکنند ساختن راه آهن بزرگ آسان است و دیگر لازم بساختن راه و یا وسعت دادن بول جدید نخواهد گردید

بدیهی است که تجار ایرانی خاصه باشندگان خارجه که از منافع بزرگ راه اطلاع کامل حاصل نموده و هر سال بلکه هرماه در روزنامه ها مطالعه کرده اند که چه قدر ثروت بمالک از این راه طاید دیگران میشود امیدواریم که زمان سعادت صمان این بادشاه عالم عادل رؤف مهربان و وزارت عظمای شاهزاده ترقی خواه کامل کار دان را غنیمت شمرده و اقبالاً بقدر تجار ممالا، ژاپون در احبای وطن و آبادی خانه خودشان بذل توجهات فرمایند

رفتند حاجبان و رسیدند بر حجاز ما در محبت مرحله مشغول خواب ناز

و گواری و مجالس فائحه خوانی

مرحوم حاج امین الدوله در طهران  
هفته گذشته خبر وحشت اثر رحلت مرحوم حاجی امین الدوله را عرض سکرد. چون دو روز قبل از فوت آن مرحوم جناب معین الملک فرزند ارجمند شانرا تلگرافاً از انقلاب اسوال ایشان خبر داده و با یست طرف لشته نشا حرکت کرده بودند. لذا در موقع ورود تلگراف رحلت آن مرحوم بر حسب اراده سنیة ملوکانه در مسجد شاه ختم متصلی چیده و مجد الملک در مجلس پذیرائی کرده بر حسب معمول صاحب ختم بودند شاهزاده وزیر اعظم نیز از اول مجلس تا آخر شرف حضور ارزانی داشتند. از جمیع طبقات علماء و اعیان و وزراء و تجار و غیر هم حاضر شده بالاخره در حوالی ظهر نواب مستطام والا شاه شاهزاده مجامع السلطنه

رف قرین الشرف همیون بجهت اختتام مجلس قائم و بر  
پیدن ختم تشریف آوردند

روز سه شنبه غرة شهر ربیع الاول در مدرسه رشديه  
از تأسیسات آن مرحوم و تمام مخارج و لوازم این مکتب  
چندین سال است از جیب قوت خود میدهند  
نظر بتعلق بدیشان مجلس قائم منقطع شده تمام رؤساء  
مدارس و ارباب دانش بلحاظ رابطه همکاری معارف  
بفراغ بواسطه آنکه مرحوم حاج امین الهدوله مؤسس و بانی  
مدارس جدید و ناشر علوم و معارف بود حضور  
داشتند فقط وزیر علوم با اینکه فی الحقیقه این مجلس  
بتعلق بخودشان بود و بایستی زیاده از هر کس اداء  
حقوق آن مرحوم که فریضه ذممت بجای آورد از ورود  
این مجلس تعزیت بدون عذر مشروع ابراء و امتناع نمود -  
لش کسانی که سرپرست معارف و مربی اخلاق عامه  
تناخته می شوند اندکی در اصلاح اخلاق و آداب عادات و  
دستور می نمودند و زرائع صفات را دورتر میکردند  
بالاخره از طرف وزارت جلیله عظمی جناب  
حاجی مشیر لشکر وزیر تشریف آورده مجلس را ختم  
نمودند و شمار مفصلی صرف شده در آخر بدست  
دات ملکوتی صفات اهل حضرت اقدس شهریاری اختتام  
پذیرفت

جیم هو الخواهان عالم انسانیت و حامیان مرتبه تربیت  
و وطن پرستان غیور در این دو سه روزه با دانه  
مکدر و متاسف بودند که بشرح راست نیاید و بتقریر  
آنگنجد - فقط آنچه موجب تعلی و امید واری است  
همان خیالات عالی حضرت وزیر اعظم در خصوص  
اصلاحات و ترتیبات جدید است که تا یک درجه میتوان  
خاطر را بآن نوید داد

تلکرافات هدیده از طرف قرین الشرف همیون  
مبنی بر کمال لطف و مرحمت نسبت بجناب معین الملک  
شرف صدور یافت و نیز از جانب وزارت اعظم و  
سایر وزراء و اعیان و اشراف و وطن پرستان مشتمل  
بر اظهار همدردی و اشتراک درین مصیبت عظمی و  
تسلیم تلکراف زیاد بخاره شد

روز دیگر دستخط جهانمطاع شرف صدور یافت  
که لقب جلیل (امین الهدوله) که بزرگترین القاب دولت  
مروزی انجمن است بتصویب حضرت وزیر اعظم فرزند

ارجمند آن مرحوم که نمره آن شعر و پرتو همان اختر  
است مرحمت شد - این مسئله با وجود خدغن آکید در  
دادن القاب دلیل بر نهایت میل و توجه ذات اقدس  
بمعین الملک و تکمیل از وقوع این واقعه ناگوار است و  
نیز دستخطی تلکرافاً خطاب بحضرت والاعضد السلطان  
حکمران گیلان شرف صدور یافت که مسجلاً معین الملک  
را بطرف دارالخلافه روانه بایند و نگذارند زیاد در آن  
قطعه که مریح مزید حزن و اندوه است توقف کنند  
اگرچه در القاب و مناصب و شئون دولتی و ملکی  
ملاحظه حال پدران منظور نیست و وراثت را در آن  
مدخلیاتی نه - یعنی فرزند امیرتوپان نباید تنها امیرتوپان  
باشد - زیرا که اسلافش دارای این رتبه بودند - مدار بر  
استحقاق و قابلیت است - و فی الحقیقه بعد آن خود  
معلم دیگری لایق و شایسته نیست که بآن لقب خوانده  
شود - مع ذلک اگر بایستی بشخصی موهبت شود  
سزاوارترین بدین لقب را میتوان معین الملک دانست -  
امیدواریم این خلف ارجمند رفتار و کردار پدر بزرگوار  
خود را تأسی نماید - و عمرات رفیقه در ظل توجه ذات  
اقدس ملوکانه و حضرت وزارت عظمی نائل شوند -  
از قرار حزالخیر خنازه را در همان (لشته نشا) بر حسب  
وصیت آن مرحوم دفن کرده اند و معین الملک نیز  
نظر نامتناهی حکم همیون بطرف طهران عازم شده اند

### مقدمه

این مسئله مکرر در سمعاعات عموم حراید خصوصاً  
روزنامه متدسه جبل المتین موضوع بحث و مذاکره گشته  
و در لوجه خاطر همه دانایان ثبت است که ترقی و تنزل  
هر ملت فقط دائر بیک قطعه اساسی و محیط بیک مرکز  
واحد است که بدون آن با ترتیبات کنونی عالم ارضی  
قدیمی پیشرفت هر هیچ ملت و دولت را ممکن نیست  
لذا جمیع ملل بیک اتفاق منوی در جلب مدارج آن  
کوشش کرده اقدامات مجده در سرعت ترقیات خود  
میبايند - این همه اختراعات عمیر العقول و اکتشافات فوق  
تصور که در این قرن اخیر - قرن شرف و افتخار -  
قرن بخار و الکتر بسته - قرن سعادت و خشن بختی -  
قرن مجدو بزرگواری - قرن کمال قوه بشری - قرن نور



وضیاء - قوت راحت نوع اللذان - قرن آسایش و وقت -  
 قرن علم و دانش - قوتی که با یک دنیا نیک بخت و  
 ستایش بی پایان، پای بدامنه گردون نهاده (قرن نوزدهم  
 میلادی) برصه ظهور رسیدند و قدم بعالم وسیع الفضله  
 وجود نهادند از پرتو و برکت علم و دانش است  
 علم است سکه انسان پرآبان نورد و جشی صفت  
 ضعیف را که حیوانی عاجز و جانهداری نحیف بود قوه  
 استیلا بر موجودات بخشیده

علم است که پرآبان حیات را که وادی بر خس و  
 خاشاک و اندوه و کدورت بود گلستان خرم و بهشت  
 ارم نموده محبتی که عطر گل و ریاحین جان بخشش مشام  
 روح را مطار ساخته - هر یک از طبقات مختلفه انام  
 را روح مسابقه بخشیده - و از فیوضات نامتاهیش  
 طلبیان را بهره ور نموده

بهار علم حسنش دل و جا را زنده میدارد  
 رنگ اصحاب صور ترا سوارباب معنی را  
 این غنی بالذات است که گیتی محتاج او است و  
 سرهای سرفرازان در پای او - هر چه نظر میکنیم  
 جلوه دلربا و چهره زیبایش را مشاهده میکنیم - مال  
 روی زمین بجزایبش گردد - و دول سکره ارض  
 بته نش حرم و شادان - شهای طلبی بواسطه الکتریک  
 آتشفشان عدیم اللالش رشک روز روشن - و بینولها  
 چون بوستان و گلشن - هر که بوی پناهد از حور زمان  
 آرمد - و آنکه از وی برید در خاک و خون غاطید -  
 قوی بجهت که دست قدرتش بر طایفه دیند و همکنان  
 در ستایش هم آواز که (زنده باد علم پاینده باد علم)  
 بر هر چه نظر کردم سپای تو می بینم  
 سرهای سرفرازان در پای تو می بینم

ای علم تو چه جوهر باک و دری تا بساکی که  
 شعاع وجودت نور بخش کائنات و هستی ده موجودات  
 است - زانم از سنایش لال و خامه ام در تمجیدت  
 شکته بال - هر که را هوشی در سر و جشی در  
 صورت است تماشای آفاق او را در کمال این عامل  
 بزرگ دلیل واضح و حقیقی ظاهر است - و ره مرا با  
 قلم شکسته چه جای دم زدن - نه مرا آن قدرت  
 انشاء است و نه صفحای حریده مقدمه جولانگاه قلم  
 من - و آفتاب را حاجتی بنویسید و نه از ستایش او را

عربده نین و معرفت

ما نتوایم شرح و مدح تو را کردن  
 با همه سکرو بیان ظالم بالا

این است که علما و دانایانرا در هر قوم و طایفه  
 مقام رفیع و مرتبه بلند است و کسی را دشمنی  
 با علم نیست جز مستبد ظالم که همتش تضعیف حقوق  
 و اتلاف نفوس و خیانت بدین و دولت و استتار امر  
 بر صاحبان درایت و اولی الهی است -

علم نوری است که چون جلوه گر شود طلی را از  
 پرتو خود منور سازد و چشمها را قوه حساسه  
 بخشند - و سرها را شهامت دهد - و قلوب را قوت  
 افزاید - و نفوس را حرارت بخشند - و عقول را جلا  
 دهد - و اوهام را زائل سازد و خوف را بر طرف  
 کند - و حقایق را لشان دهد و تدابیر را صائب نماید  
 برده غیباوت و غشاوت را از محاذی ابصار مرتفع  
 سازد - و این معنی خلاف مقصود و مانع مقصد و سد  
 سدید در قبال هواجس فاسده و هواهای باطله  
 بدخواهان و خود پرستان است - از این رو همواره  
 با تمام قوای خود درهدم این بنیان متین و اطفاء این  
 نور با هر تلاش کنند و (لکن یا بی الله الا ان یم نوره)  
 این است سر آنکه وزیر سابق با علوم و ارباب آن  
 اظهار عناد و عداوت و به مرییان و حامیان معارف  
 ایداء و ادیت مینمود

چه قدر شبیه است حال اینگونه رجال بوضع وصیکه  
 در اموال ایتم کیف ما یشاء تصرف کند - و ایتم  
 بواسطه قصور و عدم رشد و لیاقت ادراک خیانت و  
 دساست او را تمایزند - ولی هرگاه بدرجه رشد و قابلیت  
 رسند لابد زمام امور و اموال خود را بدست چنین خانی  
 نگذارند - و حقوق سابق را نیز از وی مطالبه کنند -  
 مسلماً مصلحت وصی نیست که اطفال بمقام رشد و بلوغ  
 رسند کذاک عرض خائسان نیز است که رعیت بحلیه  
 علم متور نگردد - و این لباس زیبا بر تن نیاراید زیرا  
 میدانند - ظلم و اجحاف استبداد و اعتساف ممکن نیست  
 مگر در صورتیکه رعیت نادان بوده در تپاه جهالت و  
 ظلمات کری و کوری حیوان و سرگردان باشند - در این  
 موقع مناسب است تحقیقی را که یکی از رجال بزرگ  
 فلسفی در تحت عنوان ذیل بیان فرموده بلحاظ مزید

اطلاعیہ و تکریم

﴿ ظلم و علم - نور و ظلمت ﴾

ہوا و ہوا مان عوام استبداد را مسلک است کہ اہل فضل و کمال از بصود آن مرئوس و میگردند و ثمره وجود فرزند انسان را حصر بدراکات و ہمہ و تخلیقات کاذبہ مینماید - عیش آدمی را قطع بدان خصوص میسازد صحنہ اندرون خود را مقابر حیوانات زنبقہ بار یا مزہلہ گیاهان و آثار نماید - و از وصول بمقصد عالیہ کہ در بکون این جنس مودوح است باز می دارد - در آن هنگام تولد و تسلسل را عامل شقاوت و مرگ - و رجعت را وسیلہ سعادت باید شمرد چنانکہ شاہر تازیان سرودہ

ان دام خدا ولم تحدث له غیر

لم یبک میت ولم یفرح بمولود

افسوس کہ کرۃ ارض را تاب و توان عدالت نیست - و برقل و کثافت مفلور است و باصطلاح دیگر نوع آدمی را میلان قلب و جولان نفس بطرف ایذاء ابناء جنس خویش معطوف - و نخستین و سائل را استیلاء ظلمات جہل مقرر دارد (قل الاسان ما ا کفرہ) چون خفاش کہ صید ہوا را در تاریکی شب نماید و شغال کہ با پردہ میل بر مرغان خانہ کی - حله نماید نیز اعظم طوریت جہان تاب را دزدان شہری از آن رو دشمن دارند کہ فضاحت افعالشان را ظاہر میسازد - چنین است حال مستبدین و ظالمین کہ انجام اندیشہ های ناشایستہ خود را جز در موقع ضروب غیر اعظم و کوب مستبیر دانش نشناسند - از این رویانام قوه دراضمحلال دانایان و اطفاء چراغ دانش بکشند - اینک باید دانست کہ از جہ نفی در حذراند و با کدامین علم دشمن؟ ہانا از علوم دینیہ و تعلیمات مذہبی شان ہراس بدل نشینند - و دروسی اعتقادات متعلقہ بمساز را سد میل ندانند - از این جہت کہ بندارند این علوم دفع غیبت و ازالہ غشاوت نماید بلکہ ہوس کاران علم را مشغول بق است کہ جندی صرف وقت نمایند تا آنکہ شہرت بین عوام را وسیلہ رزق و طساق قرار دهند - و بلقمہ چرب از قائمہ ظلم و استبداد بیرون کردہ (بالاعباد اللخلصین) ہمہ فی خطر عظیم) و نیز از علم اللہیان چونہ لغت و نحو و

صوفی بیوائی نکند بہ بشنون آن مستورین نشوند زیرا کہ قوت عقل و علو خیال و حرارت قلب را باوی مناسبی نیست و ہر وق شہامت و رشادت را حرکت نکرد مگر آنکہ بارہ لسان حکمت جملانہ یا سحر بیان را متضمن شود - ولی مادر روزگار بقیہ است از توالد این گونه فرزندان کہ بطلاقت لسان و دلاقت بیان و جذب توجہ نفوس و تأثیر کلام مثلہ کیت و حسان و مونسکتید و شبلاء در شمر چون داتر و ابن مقفع و صاحب ابن عباد در تثر شوند - و نہ از علم طب و شیعی و فیزیکی و امثال اینہا کہ تأثیرشان در اجسام است - و ارواح و عقول را منور ننمازند

بلی از علوم حیات کہ مرده انسانی را نشخہ زندگانی بخشد و حس بڑ مرده را شکفتہ نماید و خونہای افسردہ را بجوش آورد سخت ہراسانند چون حکمت نظریہ و فلسفہ عقلیہ و حقوق الملل و سیاست مدر و تواریخ عمومیہ و طبیعیہ و خطابات ادبیہ و سایر این قسم علوم - حاصل آنکہ ظلم و علم را حرب دائمی است جہ اہل علم میخواہند بپردہای ظلمت جہل کہ روح خوف و خشیت است بارہ نمایند و ملت را حیات خوش و زندگانی دلگشا دہند و روزگار را سعادت و عزت بخشد و از شقاوت بونکت مستخلص نمایند - ولی جبار متکبر را جد و جہد در اطفاء نثرہ علم است زیرا کہ علم بذاتہ سلطانی است فوق ہر سلطان و شایہ است برتر از ہمہ شہان و ہرگز راضی نشوند کسی تعلیم نماید حق مضای (لا الہ الا اللہ) را

چنان از صولت علم و سطوت دانش ہراسانند کہ گیہ وجود خود را باروط و علم را شعلہ آتش می بینند - این است سر آنکہ وزیر سابق با علم و علم ہموما و علوم جدیدہ اروپا خصوصاً و مدرسہ و کتاب و مصنفین و جرائد عداوت داشت - همین داعی بر توقیف و تعطیل جرائد و مدارس شد چنانکہ ہمہ کس میداد احتشام السلطنہ را کہ در غیرت و حیت وطن بکتسا و فرید است متہم و از دائرہ علوم و معارف خارج نمود - و در سال گذشتہ نصف مدارس طهران را بہانہای بیجا تعطیل کرد - روزنامہ پرورش را کہ کوکی بود از آسمان اقبال ایرانیان طلوع - منع و قدغن و بیچارہ مدعی جوان غیر بشرہ موجب ہلاکت شد

هزارها قویں محترمه لعل علم را بهین جرم تلف نمود  
و روزگار در کوشش میخواند

قلعت عیناً بلعظ فیک متفا

فکیف نجزی اذا قاتلت الاقا

هرمت قابض روح الحقی حرفته

فکم من الناس قد اتلفت اتلاقا

تا چه وقت دست غضب الهی از آنتین بیرون آید  
وقصاص این خونهای ناحق کند و عقوبات از وی بستاند  
نمیدانم چگونه جواب خواهد داد در موقف عدل  
الهی و قتیکه شهداء راه وطن با جامه خونین از قبور  
سر بدر آرند و از درگاه احدیت مستدعی محاکمه شوند  
سبحان الله چگونه دردهای درونی عنان قلم را از  
کف ربود و سرکشی آغاز هاد و از اصل مقصود که  
امتحان مدرسه خیریه بوده دور فساد ملی چون  
مدرسه محل تعلیم و منبع نشر علوم است دستور این  
مقتضات هم تا درجه خالی ارماسبت بود اینک شروع  
به مقصود باینم

### امتحان مدرسه خیریه

از بدو جاوس میمنت - اوس شهریار معارف  
خواه ترقی دوست که سلطنتش تا ابد پاینده باد. جمعی از  
هوا خواهان عالم انسانیت و محبت تمدن و تربیت و  
غیرمندان پادشاه پرست ملت خواه که بجزایه وطن پرستی  
و حمایت نوع آراسته بودند بنا بر پیروی از نیات  
مقدسه همیوی در صدد تشکیل مدارس ابتدیه و  
علمیه که کارخانه آدمسازی است برآمدند و اکثری  
از آنها کم و بیش بمقاصد خود نائل شده چندین مدرسه  
مجان و غیر مجانی تأسیس نمودند و جرائع هدایت را  
در پیش پای سالکین مسالك علم و کمال گرفتند و باجر  
دارین و نام نیک و ذکر جلیل نائل گردیدند

ارجمه کسایکه در امر مقدس انتشار تعلیم عمومی  
صرف وقت و بذل مال را دریغ نداشت مرحوم میرزا  
کریم خان (منظم الدوله) سردار فیروز کوهی بود که در  
ابداء جلوس میمنت - اوس همیون بمخیال تشکیل مدرسه  
و مکتب شبانه روری قناد - زیرا که تعلیمات متعالمین  
رمانی قائده بمنشد که اختیار و زمام امور تمام اوقات  
شب و روز اطفال در تحت نظام صحیح و قانون مکتفی  
باشد و گرنه آنچه را روزانه تحصیل کنند چون از مدرسه

خارج شوند همگی بواسطه سوء تربیت اولیاء و معاشرت  
با اشخاص تا حسن ضایع و مدز رود و بتخلاف  
نتیجه بنشد - چون مکرر شرح این مطالب و اقدامات  
این مرد جلیل القدر در صفحات جرائد هموماً و در  
روزنامه مقدسه خصوصاً با بسط و شرح - مدرج گردیده  
لذا در این موقع محتاج بتکرار بستیم همین قدر عرضه  
میدارد که این مرحوم گویا بالهام ربانی دانسته بود که  
سین عمرش قریب با تمام و مراحل زندگانش نزدیک  
به انعام است خواست ندارد آتی خود را از پیش  
به بید و برگ عینی بگور خویش فرستد و نامی از  
خود در صفحه تاریخ بیادگار گذارد - و حیات ابدی را  
که حیات مجد و شرف است تحصیل باید - از این رو  
تأسیس مدرسه (خیریه) را - احش را با مسمی  
مطابقت تمام است (زیرا که مقنای این عمل بر حیر محض  
و تبرع خاص است مؤسس را چون ابداً غرض شخصی  
یا تحصیل شهرت و شرف ظاهری نبود همانا باقیات  
الصالحات را منظور نظر داشته) تأسیس نمود

خلاصه چنانکه در وقت نامه مندرجه در روزنامه  
مبارکه اطلاع ثبت است چندین موی مقرر داشته منجمه  
(مختار السلطنه) سردار منصور وزیر احتسابیه و نرخ اجناس  
است - چندی قبل بر حسب سوابدید مباشرین و اولیاء  
این عمل سرپرستی اطفال مدرسه را عهده حمیت و غیرت  
ایشان مقرر داشته اند - حالت این شخص محترم بر همگان  
معلوم است که چون در امری اقدام نماید تسامح و تساهل  
را روا ندارد - و نقصان عمل را پسند نفرماید - پس با  
کمال مراقبت در خوراک و پوشاک و منزل و دروس  
و خوابگاه اطفال سعی بلیغ نمودند فعلاً عده شاگردان  
بالغ بچهل نفر اند - که مخارج همگی از مدرسه داده میشود  
فقط تفاوتی که هست بواسطه صیق مکان استراحت شبانه  
آنهاست که مقرر داشته اند هفده نفر در مدرسه بنخوانند  
و طاقی بعد از صرف شام بمنازن اولیاء خود روند  
ولی مجدداً مختار السلطنه سعی است که ترتیب منازل شبانه  
جمیع اطفال را بدهد تا مطلقاً شاگردان از مدرسه خارج  
نشوند و بجهت پرستاری شبانه آنها سه نفر پیر زن را  
معین نموده اند تمام غذاهای ایشان بروفق حفظ صحت  
و مقوی و معادل با شام و نهار اعظم اهل طهران  
است لباسشان چون سرمازان انگلیسی

روز پنجشنبه دهم شهر ربيع المولود روز امتحان مدرسه مذکوره بود. بر حسب دعوت (مختار السلطنه) جمعی از احلاء و اطام و رجال و صاحبان خیرت و درایت و صحاب بصیرت و مدیران مدارس جدیده در مدرسه مدعو بودند. چهار ساعت بغروب ابتدائیه تشکیل این مجلس خیر بود. پس از انعقاد مجلس و حضور حضرات مدعوین محترم بر حسب خواهش (مختار السلطنه) شروع بگردش و تماشا و ملاحظه اطاق دروس و خوابگاه و کارخانجات صنایع از قبیل پارچه بافی و جوراب بافی و دستگاه قالی نمودند. آنگاه مراجعت کرده شروع بامتحان دوره تحصیلات این نونهالان بوستان دانش شد. در علوم عربیه و ادبیه تا درجه که تحصیل کرده بودند و قنون ریاضیات و جغرافیا و تاریخ چنان از امتحان بیعیار بیرون آمدند که بی اختیار همه حضار لب به نخستین و تمجید گشوده صداها بتعریف و توصیف بلند نمودند - و بر رئیس و اطام و معلمین آفرینها خواندند - و روح مرحوم مؤسس را بدعای خیر شاد نمودند. و از محبت و غیرت مختار السلطنه تشکرات ~~ص~~ کردند. واقعاً جای تعجب است طفل ده ساله و یازده ساله که ضعف قوای دماغی شان مبرهن است چند رشته علم را که با یکدیگر غیر مربوطند در مدتی اندک چنان حاضر نمایند که اگر در آشنای مسئله صرفی سوالی از جغرافیا شود با کمال طمانینه و سکون بدون اضطراب و پریشانی جوابی صحیح تقدیم ~~ص~~ کنند و در متق نظام نیز درجه اوفی مقام خود را بمحضرین نشان دادند - فی الواقع در مدارس ایران ~~ص~~ که بطرح جدید تأسیس شده میتوان گفت این مدرسه در ترتیب دروس و ترقی کالات و حسن وضع لباس و منزل و خوراک و پوشاک مقام منیع و شباهت بمدارس فرنگ دارد - این بنده در اغلب مدارس موقع امتحان حضور داشته و با دقت تمام درجات تحصیل محصلین را ملاحظه نموده اشهد باقی مراتب تحصیل ششماهه این مدرسه بر تحصیلات چندین ساله دیگران فائق بود - و اگر تا چند سال دیگر این مدرسه به ترتیب حالیه بماند و مابقی رخ ندهد ثمرات نیکو خواهد بخشید بلی این همه ترقیات نتیجه حسن نیت مؤسس مرحوم که خداوند درجاتش را عالی نماید و کمال مواضبط و مراقبت مختار السلطنه و جوی و کوشش

معلمین بوده که هر یک وظیفه خود را کاملاً بجا آورده اند و ذره از تکالیف لازمه خود را مهمل و فرونگذارده اند مخصوصاً حسن توجه ناظم محترم آن که در مدتی اندک این همه معلومات را بدیشان فرا داده است ولی چیزیکه خاطر همه حضار را مکدر و مایل نمود همان وجود یک نفر ممرض خود پرست بود که نظر بملاحظات چند که عمده آنها دست اندازی بجمود این مدرسه مبارکه است تا مثل چند مدرسه دیگر اقمه از خوراک خود نباید آه آه از دست مردمان از خدا و خالق بی خبر ~~ص~~ نه دین را شناسند و نه ملت را نتیجه زحمت ندیده - مردمان وطن پرست را هبأ متهورا نباید تا آنکه نان خود را بروغن اندازند و دولت و ملت را در سبیل شهوات دینه خود برباد دهند - آیا روایت اطفال تازه کار را که ششاه است اوقات خود را صرف نموده اند تا امروز مورد تحسین و تمجید بزرگان - و در کرد دل چون شیشه آنها را بسنگ جفا بشکنند و حقوق آنان را با ببال ظلم و استبداد بماند؟ باید انکه شاید دست تصرفشان در روی دراز گردد

سبحان الله فساد اخلاق تا چه درجه انسان را بر زشت کاری ~~ص~~ میشود و چگونه قبايح اعمال از نظر حق ناشناس مستور میماند - باری چندان باب مقابله گشود و خود را دو امتحان داخل نمود و با کمال بیخانی بدون سب و طاهر بنای مذمت و بدگویی را سب که این دروس را اگر چه حاضرند ولی از روی تحقیق نیست انکه نفیاً فرا گرفته اند مره در این خصوص دستور العملی است که باید اورا بجزی داشت (یعنی تا این مدرسه را نیز مثل چند مدرسه دیگر ضایع و یابو نمایم و اطفال معصوم را فدای حرص و آز خویش سازم) هر چند حاضرین بگوشه و کتابه و ایهام و اشاره و گره جبین و افکندن شانها عدم رضایت خود را تحرکات و وحشیانه او آشکار میداشتند - ولی دیک طمع مزی الیه نچنان در حوش و خروش بود که باین آنها از غایبان بایستد در عین ایراد بجا خیال منافع این مدرسه را بیکرد که آیا از منافع موقوفات چه قدر سالیانه بلامتوان میشد اعدا مابقه من ضرور هم خدا شاهد است که در این ساعت اشتغال باین امر تذکر احوال این مرد و وضع حرکات و سلوکش بطفال چنانم مکدر داشته که نه طبع را اقبال بنودتن



اجازة معاودة حاصل نمودند دو روز بعد بطرف  
اصفهان تازم شدند.

### مسافرت اعلیحضرت همایون

#### بارض اقدس

در بعضی دواثر بیست نیم رسی مذاکره میشود  
که در ماه آینده بندگان اعلیحضرت اقدس همیونی  
بطرف آسان و تشرف بارض اقدس و آستان ملائک  
باسبان حضرت سلطان الاولیاء صلوات الله علیه و علی  
آبائہ الطاهرین حرکت خواهند فرمود - هنوز این خبر  
سمت رسمیت پیدا نکرده و درست صحت و سقم آن  
معلوم نیست - و در صورت صدق و صحت آیا مقصود  
از این سفر بیست و نکته منظور از این حرکت چه  
است ؟ این سؤالی است که در جواب آن قدری تأمل  
لازم است هر چند بر حسب حسن عقیده و یاکی اعتقاد  
این بادشاه دیندار نیک طینت مسلم است که غرض اصلی  
و مقصد اصلی همان آستان بوسی سلطان سریر ولایت است  
ولی مع ذلک نمیتوان گفت این حرکت و سیر حالی از  
نکات سیاسی باشد - خصوص در این موقع که هیئت دولت  
یعنی شاه و وزارت عظمی و سایر وزراء تمام قوای  
خویش همی وقتاً صرف اصلاحات لازمه و رفع  
خرابیهای سابقه و استحکام بیسان ملک داری دارند  
جز آنکه حدس زیم که ملاحظیات باقی و دقائق  
سیاسی عمده دعوت باین حرکت نموده است که کوچکترین  
آنها تحصیل اطلاعات صحیحه از وضع بلاد شمال شرقی  
که مهمترین نقاط و ایالات ممالک ایران است و ملاحظه  
سرحدات و سرکشی باوصاع رعایای آن سلطان و ترتیب  
و شکل حکومت کل و جزء آن اراضی و کیفیت  
سلاحشاه سبب برعیت و مشاهده درجه استعداد  
اطاکی و اشخاص و انتظام قشون و تدارکات مهیات  
حربیه و سواران و صاحب منصبان و سرحد داران  
و استحکامات سابقه و باز دید لوازم آتیه - اگر چه  
اینگونه امور با ارسال مأمورین درست کار نیز ممکن است  
ولی وجود چنین مأمورین در ایران حکم کیمیا دارد  
ملا این سفر را بر سفر فرنگ از جهاتی  
چند ترجیح است - من جمله فائده الحرومی و کسب  
اجر و ثواب و استمداد از فیوضات آن سر چشمه  
فیض - دیگر هر چه مصرف شود چون در داخله

است و نه دسترا میل گرفتن قلم - بپیر حال باید گفت  
برو این دایم بر صریح دگر نه که عنقاذا بلذات آشیانه  
بعد از امتحانات علمی مشغول (تومناستیک) کشته  
از سرعت حرکت و جلدی و جلالی و مهارت شان  
همی را حیرت دست داد و همچنین در مشق باوسایر  
ترتیبات نظامی الحق والاصاف مراتب از سرمازان  
دولتی باکه قزاقان بهتر و کاملتر بودند - بعد از آنچه  
دستگاه صنایع بمعرض جلوه آمد - نسوجاتی که اطفال  
بدست خود ساخته بودند بمحاصر ارائه شد از قبیل پارچه  
و حوراب و غیره جندان بسندیده و مستحسن بود که زیاده  
از حور آمان بودی - خداوند توفیق دهد (مختار السلطنه)  
را که بر استحکام اساس این بیان مهندس بیفزاید تا  
آنکه ملک و دواترا از وجود آنان مقاند کلی  
حاصل گردد

### ورود حضرت حجة الاسلام

آقا شیخ محمد حسن مامقانی بحضرت عبدالعظیم  
چند یوم قبل حجاب حجة الاسلام آقای آقا شیخ  
محمد حسن مامقانی که راحله علماء اعلام نجف اشرف اند  
بفصد زیارت مشهد مقدس وارد زاویه مقدسه حضرت  
عبدالعظیم گردیدند چند روز در آن مکان مونس نشریف  
داشتند علماء و وزراء و اعیان و تجار و کسبه هر  
روز بمخدمت ایشان مسرف شده کس فیوضات مینمودند  
هر چه اسرار و ابرام شد که شاید روری باک  
ساعتی بنور دار الحلاه وارد شود چون مقصود شان  
از این سفر همان زیارت بود نه اشتغال بامر دیا قبول  
نکردند - بندگان اعلیحضرت اقدس همیون نیز در همان ایام  
بهرم ربارت حضرت عبدالعظیم مشرف شده در آن  
نقطة ربارتگاه ملاقات حاصل گردید و مورد اشفاق و  
الطاف ملوکانه آمدند - از قراریکه گنده میشود حجاب  
معزی آیه رحسور همیون استدعای مرخصی حجاب  
مستطاب آقا محی را نموده اعلیحضرت اقدس در جواب  
فرمودند ایشان را کسی مجبور نکرده بمیل و طیب  
خاطر آمده هر وقت بخواهند نیز حرکات کند  
رور دیگر جناب مامقانی بصرف رس اقدس رهسپار  
گردیدند - و چند رور بعد از آن جناب آقا محی و  
جناب حاجی شیخ بورالله بمصور همیونی رسیده و  
مورد مهربت و مکرمت ملوکانه واقع شده اذن و